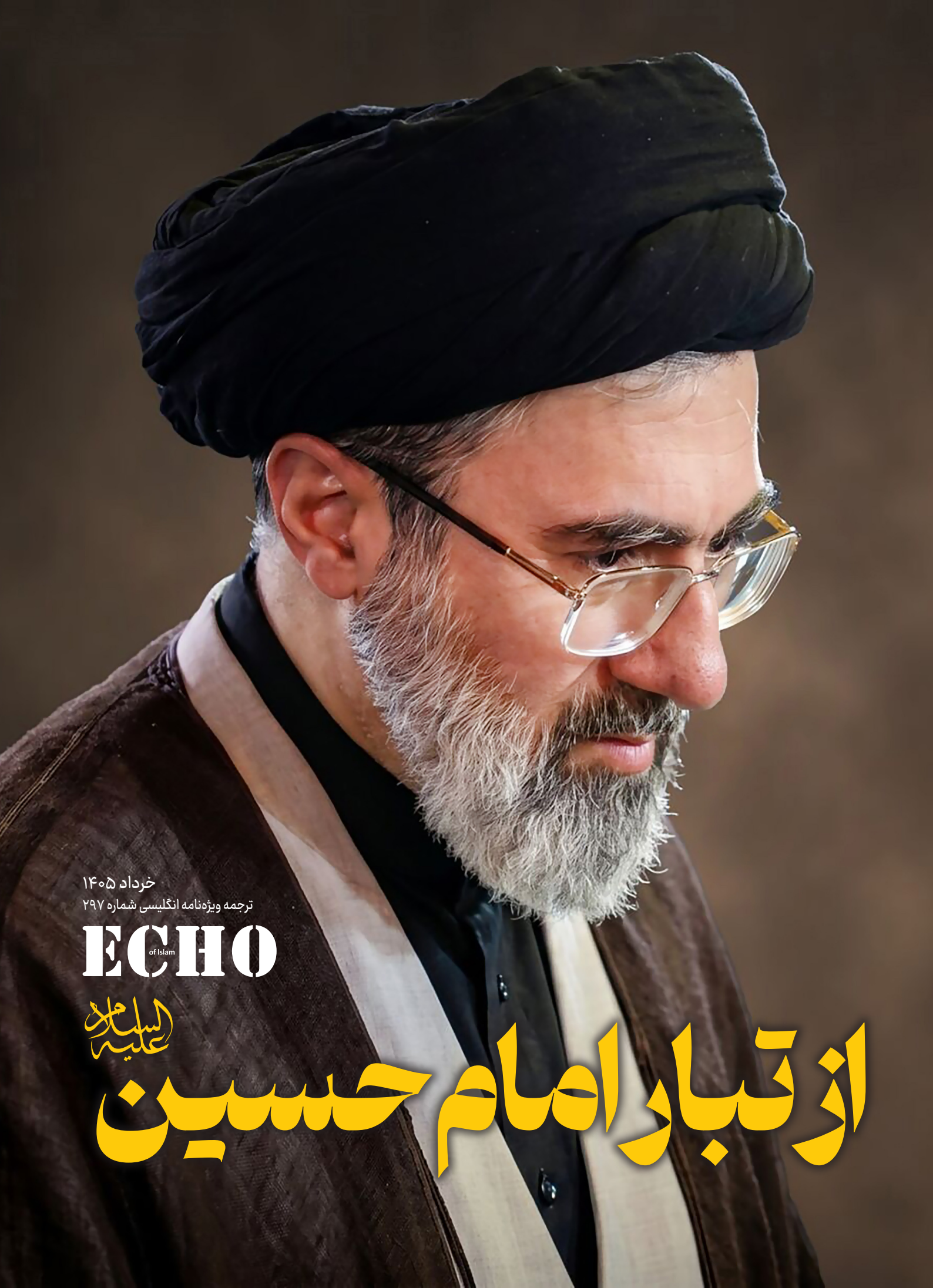




خرداد ۱۴۰۵

ترجمه ویژه نامه انگلیسی شماره ۲۹۷

ECHO
of Islam

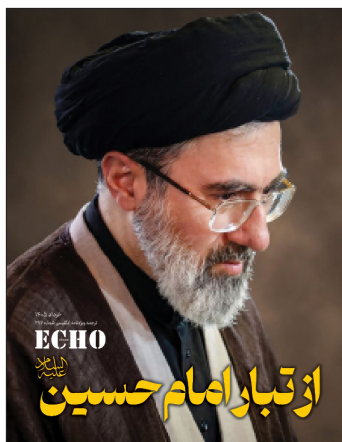
السلامة

از قبا و امام حسین





از تبار حسین علیه السلام



خرداد ۱۴۰۵

زیر نظر:

دکتر حسین دیوسالار
معاون توسعه همکاری‌های علمی
و فرهنگی

مدیر مسئول:
مهدی فیاضی

ویراستار:
سید محمد ذوالفقاری

مدیر اجرایی و روابط عمومی:
مریم حمزه‌لو

مدیر هنری: امید بهزادی

نشر دیجیتال و تعاملی:
امیر اردستانی

تلفن:

۰۰۹۸۲۱-۸۸۹۳۴۳۰۲

۰۰۹۸۲۱-۸۸۹۳۴۳۰۳

فکس: ۰۰۹۸۸۸۹۰۲۷۲۵

Website: www.alhodapub.com

Email: alhodapub@gmail.com

- پیام به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشان انقلاب و مسائل مهم مربوط به جنگ تحمیلی سوم ۴
- سرمقاله | مهندس مهدی فیاضی، مدیر مسئول ۸
- الگوی «امت-امامت» عامل توفیق انقلاب اسلامی | حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی ایمانی پور ۹
- پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ ۱۰
- چرا آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای گزینه‌ای منطقی برای مقام رهبری است؟ ۱۴
- پیام به مناسبت ۱۸
- روز ملی خلیج فارس ۱۱
- از تبار حسین ۲۰
- شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، پدر ۲۱
- در میدان جهاد ۲۲
- پیوند آسمانی ۲۴
- در مسیر اجتهاد ۲۵
- استفان شفر، محقق آلمانی: ۲۸
- رهبر معظم سید مجتبی حسینی خامنه‌ای؛ شکل‌گیری رهبری در تلافی فقه و دولت ۳۲
- تأیید و حمایت علمای اسلام ۴۶
- ویژگیهای رهبر جدید (انقلاب اسلامی ایران) آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای ۵۲



حضرت آیت الله العظمی
شهباز حسینی



پیام رهبر جدید انقلاب به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم الشان انقلاب و مسائل مهم مربوط به جنگ تحمیلی سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ
مَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ
اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا.

چهل روز از یکی از بزرگترین جنایات دشمنان اسلام و ایران و از
یکی از سنگین‌ترین داغهای عمومی در تاریخ این ملت میگذرد؛
داغ شهادت جانگداز رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، پدر ملت
ایران و زعيم امت اسلامی و پیشوای حق‌طلبان در عصر حاضر،
سید شهیدان ایران و جبهه مقاومت، خامنه‌ای کبیر قدس الله
نفسه الزکیه.

چهل روز است که روح بلند رهبر شهیدمان در جوار قرب الهی

میهمان ضیافت اولیاء و صدیقین و شهدا شده و همزمان و یا
در پی آن، جمع کثیری از یاران، فرماندهان و رزمندگان اسلام،
و هموطنان مظلوم از نوزادان چند روزه تا کهنسالان هم به این
فیض عظیم نائل آمده‌اند.

چهل شب و روز است که خداوند متعال پیشوای این امت را به
میقات خود فراخوانده؛ اما این بار برخلاف آنچه در عصر کلیم الله
رخ داد، اصحاب رهبر شهید و امت او برای اقامه حق و مقابله
با باطل مبعوث شدند و چون کوههای استوار در برابر سامری و
گوساله‌اش ایستادگی کرده و همچون گدازه‌های آتشین بر سر
متجاوزان و فرعونیان فرود آمدند.

چهل شبانه‌روز است که مستکبران عالم، نقابهای فریبده و

با سائر عناصر وجودی و امتیازات ایشان، کوچک به نظر می‌آید. بنده بشخصه از ایشان هنرهای متعددی را سراغ دارم: یک هنر بزرگ ایشان که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، هنر تربیت و پرورش اجتماع از طریق ساخت افکار و روحیات و عواطف توده‌های عظیم مردم و گروه‌های اجتماعی بود. هنر دیگر ایشان نهادسازی‌های هدفمندی بود که بخصوص در سالهای ابتدائی دوران زعامت و رهبری خود با نظر به افق‌های دور دست، به آن اقدام کردند.

هنر دیگر ایشان اقدام به قدرتمندسازی ساختار نظامی کشور بود که ملت ایران در دو جنگ تحمیلی اخیر از آثار مثبت آن مطلع و بهره‌مند شدند. همچنین قدرت ابداع و ابتکار در ابعاد مختلف اعم از علمی و راهبردی و سیاست‌گذاری، از دیگر هنرهای ایشان بود که شمه‌ای از آن در تدوین سیاست‌های کلی نظام منعکس می‌باشد. و نیز قدرت خلق معانی از طریق ساخت به‌هنگام واژگان و ترکیب‌های بدیعی که هریک انبوهی از معانی را خلق و حمل میکرد و از آن، گفتمان عمومی عمل می‌آمد. و از جمله، هنری که در اثر صیقل خوردن روح بلند ایشان در شدايد و امتحانات و ابتلائات و به‌خاطر صبر و استقامت در مسیر حق حاصل شده بود، هنر پیش‌بینی حوادث دوردست بود که اَلْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللّٰهِ. و هنرهای دیگری که احصاء آن در این مختصر ممکن نیست.

همه این هنرها و مزیتها منشائی جز عنایات خاصه الهی و توجه خاص سرورمان و آباء طاهرین ایشان صلوات‌الله علیهم اجمعین نداشت. شاید بتوان آنچه این عنایات و توجهات را به سمت آن بزرگوار جلب کرد را در تلاش و مجاهدت بی‌وقفه و خالصانه او در راه اعداء کلمه‌ی حق، خلاصه کرد. اما به‌طور ویژه غیر از سختی‌های مبارزه با دستگاه خائن حکومت پهلوی، ایشان از یک فرصت خاص دیگر در مسیر انجام وظیفه، بهره زیادی بردند که عموم مردم معمولاً از آن اطلاع ندارند. این‌طور تقدیر شده بود که سید جوانِ بشدت جویای علم و البته طالب عمل، در وقتی که پدر بزرگوارش در معرض نابینائی قرار داشت، پس از سالیانی زانو زدن در محضر اساتید عالی‌مقام، همه زمینه‌های ظاهری پیشرفت علمی و آینده‌ساز در قم را رها کرده و با اعتماد به فضل الهی، خود را وقف پدر نماید. تفضل الهی در پی این ایثار این‌گونه ظاهر شد که ناگهان سیدعلی خامنه‌ای در سنین قبل از سی سالگی مانند خورشیدی از خراسان سر برآورد و بزودی یکی از ارکان فکری و مبارزاتی قلمداد شد و همزمان در علوم متداول هم پیشرفتهای قابل توجه‌ای نمود؛ به‌طوری‌که در سالهای دهه پنجاه، دستگاه ساواک او را خمینی خراسان خوانده بود. باید بر این نکته تأکید کنم که این روند ترقی باطنی و ظاهری آن بزرگوار در مقاطع بعدی هم ادامه یافت. حال در مقام درس‌آموزی از رفتار

دروغین را از رُخ برگرفته و چهره کریه و شیطانی قتل و ظلم، تجاوز و دروغ، تفرعن و کودک‌کشی، و استبداد و فساد را به نمایش گذاشته‌اند.

اما در مقابل، چهل روز و شب است که فرزندان غیور خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید و پیروان اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) با اهتمام و شجاعتی مثال‌زدنی در میدانها و خیابانها و سنگرهای رزم حاضر هستند و علی‌رغم لطمات و خسارت‌های هجوم وحشیانه دشمن، جنگ تحمیلی سوم را به صحنه حماسه دفاع مقدس سوم تبدیل کرده‌اند. ملت آگاه و هوشیار ایران گرچه نشان داد در غم بزرگ فراق پیشوای شهیدش داغدار است ولی با تأسی به میراث‌داران بی‌واسطه عاشورای حسینی، از این داغ، حماسه و از رثاء، رجز ساخت. و همه اینها دشمن تا بن دندان مسلح را به حیرت و استیصال انداخته و آزادگان جهان را به تحسین واداشته است. این‌بار جهالت و نادانی مستکبران باعث شد که اسفند ۱۴۰۴ سر‌آغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی گردد، و پرچم ایران اسلامی نه فقط در جغرافیای خاکی کشورمان بلکه در عمق دل‌های حق‌جویان جهان برافراشته شود.

این مناسبت فرصت خوبی است تا قدری مختصر، معرفی رهبر عظیم‌الشان به عمل آید. صحبت از مردی است که آنقدر که مشهور بود، شناخته نشد. همه میدانند که قائد شهید ما، فقیهی زمان‌شناس و بصیر، مجاهدی خستگی‌ناپذیر و چون کوه استوار و محکم، عالمی عامل و ربانی، اهل ذکر و تهجد و تضرع به درگاه ربوبی و توسل به ذوات مقدسه معصومین صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین، و از عمق جان، مؤمن به وعده‌های الهی بودند. از خصوصیات دیگر ایشان ایران‌دوستی و تلاش مستمر برای استقلال هرچه بیشتر ایران عزیز بود که در کنار آن بر وحدت کلمه و انسجام ملی تأکید داشتند. ایشان عمری را در تلاش برای برپائی نظام اسلامی و قوام و بقاء آن طی کردند و در عین حال جمهوری اسلامی بدون مردم از نظر ایشان بی‌معنا می‌نمود. در عین اقتدار و صلابت، بهره‌واری از ظرافت در اندیشه و نگرش به امور داشتند. به ظرفیتهای کشور خصوصاً جوانان توجه ویژه‌ای مبذول میکردند. به علم و فناوری و پیشرفت در سایه آن اهمیت میدادند. برای خانواده معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران عزیز ارج خاصی قائل بودند. در جهات مختلف دارای تجارب گرانسنگ و متراکمی بعضاً با سابقه چند دهه بودند، و خصوصیات متعدد دیگری که فهرست طولبی را شامل میشود. این روزها در بعضی از رسانه‌ها مکرراً صحبت از هنر و هنرشناسی و هنرپروری ایشان به میان می‌آید. این عنصر در عین اینکه به‌تنهایی میتواند ارزش زیادی را برای شخصیت یک نفر ایجاد کند و مسلماً در رهبر عزیزمان به‌معنی واقعی و در حد عالی وجود داشت، در مقایسه

بزرگان و بخصوص چنین شخصیتی، خیلی بجا است که این خصوصیت خیرخواهی خالصانه برای یکدیگر و مواسات را روئے خود سازیم که این ویژگی و توأم با آن، نظر به رحمت واسعه الهی داشتن، فرقی مهم بین کسی است که تحت پرچم حق ایستاده و آن کسانی که حول پرچم باطل حلقه زده‌اند. مسلماً پیگیری چنین روئے‌ای، گشاینده دربهای آسمان و فرودآورنده انواع امدادهای الهی و غیبی خواهد بود؛ از نزول باران رحمت گرفته تا غلبه بر دشمن و حتی پیشرفتهای علمی و فناورانه.

در این ایام مکرراً شنیده میشود که گروههای مختلفی از مردم عزیز، بحق و با حسرت از آن یگانه دوران یاد میکنند و کم کم وجوه بیشتری از گوهر تابناک شخصیت والای ایشان ظاهر میگردد. همچنین بنای بر تأسی به افعال خاصی از آن جناب کم کم فراگیر میشود؛ از جمله مردم عزیزمان از مشیت گره کرده آن جناب در حین شهادت درسها آموختند و اکنون همین مشیت گره کرده برای بعضی نوعی نماد مشترک از عقیده شده است. این گونه است که بار دیگر ثابت میشود که تأثیر شهید بیش از فرد حاضر است و صدای رسای او در دعوت به توحید و حق طلبی و مبارزه با ظلم و تباهی، پرتن‌تر و پیامش نافذتر از دوره حیات او بوده و همچنین خواهش قلبی این شهید عظیم‌القدر که سعادت این ملت و سایر ملتهای مسلمان بود، از قبل به واقعیت نزدیکتر شده است.

برادران و خواهران هموطن! امروز و تا این نقطه از حماسه دفاع مقدس سوم، به جرأت میتوان گفت که شما ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان بوده‌اید.

امروز طلیعه برآمدن جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سراشی بی ضعف، مقابل چشم همگان آشکار شده است. این بی شک نعمتی الهی است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدای گلگون کفن و هموطنان مظلوم و گل‌های پرپر شده مدرسه شجره طیبه میناب، و در پی توسلات و تضرعات آحاد ملت به درگاه ربوبی و حضور مجاهدانه ایشان در میادین و محلات و مساجد، و به خاطر جانفشانیهای بی دریغ و بی منت و خالصانه رزمندگان جان‌برکف اسلام در سپاه و ارتش و فراجا و سربازان گمنام و مرزداران، به ملت ایران ارزانی شده است. این نعمت هم مانند هر نعمت دیگری باید مورد شکر قرار گیرد تا بقا و رشد داشته باشد که لئن شکرتم لأزیدنکم. شکر عملی این نعمت، تلاش بی وقفه برای رسیدن به ایران قوی است.

آنچه در وهله‌ی کنونی، برای نیل به این شعار و هدف راهبردی رهبر شهید ضروری می‌نماید، استمرار حضور مردم عزیزمان همانند چهل روزی است که پشت سر گذاشتند. این حضور یک رکن مهم از منزلتی است که اینک ایران مقتدر در آن استقرار

یافته است.

بنابراین نباید با اعلام بناء بر مذاکرات با دشمن، تصور شود که حضور در خیابانها لازم نیست. بلکه اگر بر فرض، ضرورتاً نوبت دوره سکوت صحنه نبرد نظامی رسیده باشد، وظیفه آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارا هستند، سنگین‌تر از قبل به نظر میرسد. مسلماً فریادهای شما در میادین، در نتیجه مذاکرات مؤثر است؛ همچنان که عدد شگفت‌آور و رو به افزایش میلیونی پویش جان‌فدا برای ایران، هم از عناصر تأثیرگذار در این عرصه است. باذن الله تبارک و تعالی در اثر این نقش‌آفرینی‌ها و استمرار آن، چشم‌اندازی که در پیش روی ملت ایران قرار دارد، ظهور دورانی با شکوه و درخشان و سرشار از عزت و سربلندی و غنا را برای ایشان نوید میدهد. رهبر شهید ما وقتی که عهده‌دار رهبری شدند، نظام جمهوری اسلامی چون نهالی بود که زخمهای متعددی از دشمنان اسلام و ایران بر آن فرود آمده بود و البته همه را بخوبی تحمل کرده بود. اما وقتی که بعد از قریب به ۳۷ سال، کرسی زعامت امت را ترک نمودند، شجره طیبه‌ای که ریشه‌اش مستحکم و شاخ و برگ آن بر بخشهای مهمی از منطقه و جهان سایه افکن شده است را از خود به جا گذاشتند. رویکرد دستیابی به «ایران هر چه قوی‌تر» از مسیر وحدت بین اقشار مختلف جامعه میگذرد که مکرراً مورد تأکید ایشان بود. شمه‌ی قابل توجهی از این وحدت در این چهل روز تحقق پیدا کرد: قلوب مردم به هم نزدیک شد، یخهای فیما بین اقشار مختلف با گرایشهای متفاوت شروع به ذوب شدن کرد، همگان زیر پرچم وطن جمع شدند و روز به روز به عدد این جمع و به کیفیت آن افزوده میشود. بسیاری از کسانی که هنوز به این گونه حضور دست نیافته‌اند، قلباً همراه و هم‌سخن با جمعیت‌های حاضر در میادین هستند.

این روزها خیلی‌ها نگاهی تمدنی را با چشم دوختن به افقهای دور دست تجربه میکنند و برای خود تصویری نه موهوم بلکه متکی به واقعیات حال و آینده خلق میکنند. این خصوصیتی است که تا اندکی پیش از این در عده‌ی کمی که رهبر شهید در رأس آن قرار داشتند، دیده میشد. این گونه است که هر ناظری رشد سریع و معجزه‌وار این ملت را درک میکند و بی‌جهت نیست که در این روزها حکیم نامدار دوران و فقیه عالی‌قدر آنگاه که با شما از این شأن صحبت میفرماید، بارها بغض گلو، سد راه کلامش میشود.

در همین مجال به همسایگان جنوبی ایران می‌گوییم که شما در حال دیدن یک معجزه هستید. پس درست ببینید و درست درک کنید و در جای درست بایستید و به وعده‌های دروغین شیاطین بدگمان باشید. ما هنوز منتظر واکنش مناسبی از سوی شما هستیم تا برادری و خیرخواهی خود را به شما نشان دهیم.



این صورت نمیگیرد مگر با اعراض شما از مستکبران که هیچ فرصتی را برای تحقیر شما و استثمارتان از دست نمیدهند. این را همه باید بدانند باذن الله تعالی ما حتماً متجاوزین تبهکاری که کشور ما را مورد حمله قرار دادند را رها نمی‌کنیم. حتماً غرامت تکتک صدمات وارد شده و خون‌بهای شهیدان و دیه جانبازان این جنگ را طلب خواهیم کرد و حتماً مدیریت تنگه‌هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود. ما طالب جنگ نبوده و نیستیم ولی به هیچ‌وجه از حقوق حقّه خود دست نمی‌کشیم و در این جهت همه جبهه مقاومت را به‌طور یکپارچه در نظر داریم. در این مقطع تا مرحله وصول به آنچه متعلق به ما است، اولاً همه آحاد ملت سعی در مراعات یکدیگر داشته باشند تا از ناحیه کمبودهایی که اثر طبیعی هر جنگی است، فشار کمتری بر اقشار مختلف وارد گردد. البته این کمبودها که بعضاً در جبهه مقابل شما خیلی بیشتر وجود دارد، به لطف تلاشهای برادران و خواهران شما در دولت و نهادهای دیگر، تا حد قابل توجهی مدیریت شده است. ثانیاً مراقبت از گوشه‌ایمان که پنجره مغز و قلب است در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا همسوی با ایشان امری لازم است. مسلماً آن رسانه‌ها خیرخواه کشور و ملت ایران نیستند و این معنا بارها ثابت شده است. بنابراین یا اساساً مواجهه و استفاده از آنها را ترک کنیم یا اقلاً با سوء ظن فراوان با هر چیزی که ارائه میدهند برخورد کنیم.

ثالثاً ملت عزیز اگر چه با پایان گرفتن مدت عزای رسمی شهادت رهبر عظیم‌الشأن خود، جامه عزرا را از تن بیرون می‌آورد، اما عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه‌میدارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود.

در پایان خطاب به سرورمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه میدارم که ما با ایمان به خدای متعال و توسل به ائمه معصومین صلوات‌الله و سلامه‌علیهم و با تأسی به رهبر شهید خود در زیر پرچم جنابان و در مقابل جبهه کفر و استکبار ایستاده‌ایم و در این مسیر شهدای گرانقدری از طبقات مختلف تقدیم راه عزت و استقلال کشور و اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی کرده‌ایم و خساراتی دیگر هم دیده‌ایم. اینک با تمام وجود به دعای خاص حضرتتان برای غلبه قاطع بر دشمن چه در صحنه مذاکرات و چه در میدان نبرد دل بسته‌ایم و امید داریم هر چه زودتر، هم ما و هم دشمنانمان اثر معجزه‌آسای آن را مشاهده کنیم، ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۰/فروردین/۱۴۰۵



سرمقاله

مهندس مهدی فیاضی

«امام حسین علیه السلام: إن کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی» «اگر دین محمد صلی الله علیه و آله جز با خون من استوار نمی ماند، پس ای شمشیرها مرا دریابید.»

آیت الله العظمی شهید سید علی خامنه ای قدس الله نفسه الزکیه پس از ۳۷ سال رهبری درخشان انقلاب اسلامی در ۹ اسفند ۱۴۰۴ هجری شمسی با تأسی به امام حسین علیه السلام سالار شهیدان اسلام توسط جباران و متکبران زمانه به شهادت رسید.

شهادتی که باعث بعثت مردم و بیداری جهانی در برابر آمریکای جهانخوار و اسرائیل خونخوار شد. و اولین تجاوز از جنگی ۴۰ روزه علیه مردم مظلوم ایران بود.

پس از ۸ روز از شهادت ایشان و در شرایط جنگی و بمباران های ایران توسط آمریکا و اسرائیل با طی فرآیند منطبق بر قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران مجلس خبرگان

که منتخب مردم ایران است با مقایسه چندین گزینه از میان نخبگان، رهبر جدید انقلاب اسلامی آیت الله سید مجتبی خامنه ای را معرفی کرد که در قامت گوهری تابناک و هدیه ای الهی و شخصیت محبوب مردمی، ولی فقیه سوم و نائب امام زمان (عج) در حکمرانی می باشند. هر چند ایشان فرزند فاضل رهبر شهید است. اما در فرآیندی قانونی و با اصول مردم سالاری دینی و بدون اتهامات انتصاب موروثی مشخص شدند. ایشان مجتهدی فقیه، عادل، متقی با بینش صحیح و برتر سیاسی و اجتماعی و فقهی، مدبر، شجاع، مدیر و مقتدر است که جمهوری سوم پس از آغاز انقلاب اسلامی را با مشورت نخبگان و مردم رهبری خواهد نمود. آغاز رهبری ایشان همراه با پیروزی های بزرگ ملت ایران در جنگ تحمیل شده آمریکا و اسرائیل و زیاده خواهی ها و زورگویی های آنها بود. این ویژه نامه معرفی معظم له می باشد که اطلاعات مناسبی را در اختیار مخاطبین خارجی قرار می دهد.

الگوی «امت- امامت» عامل توفیق انقلاب اسلامی

دست به جنایتی بزرگ زدند. دولت آمریکا و رژیم اسرائیل، با بمباران دفتر کار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای در تهران، ایشان را به شهادت رساندند تا به گمان خود زمینه‌ساز تغییر رژیم و تجزیه کشور ایران شوند.

اما ملت بزرگ ایران، با اتکا به تمدن چند هزار ساله و ژرفای تفکر علوی، حسینی و مهدوی، از این مصیبت حماسه‌ای ماندگار ساخت. این ملت با خیزش آگاهانه خود، ابتکار عمل را در منطقه غرب آسیا و در داخل ایران به دست گرفت و توطئه دشمن را به عاملی برای تحکیم وحدت، مقاومت و پیشروی و یورش مدافعانه بدل کرد.

در سخت‌ترین شرایط امنیتی، ترور و جنگ، با تشکیل مجلس خبرگان و با مشارکت نمایندگان منتخب مردم، و در چارچوب قانون اساسی و شریعت اسلام، فرآیند تعیین جانشین رهبر شهید به انجام رسید و آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای - حفظه‌الله تعالی من اشرار الزمان - به عنوان رهبر جدید معرفی شدند.

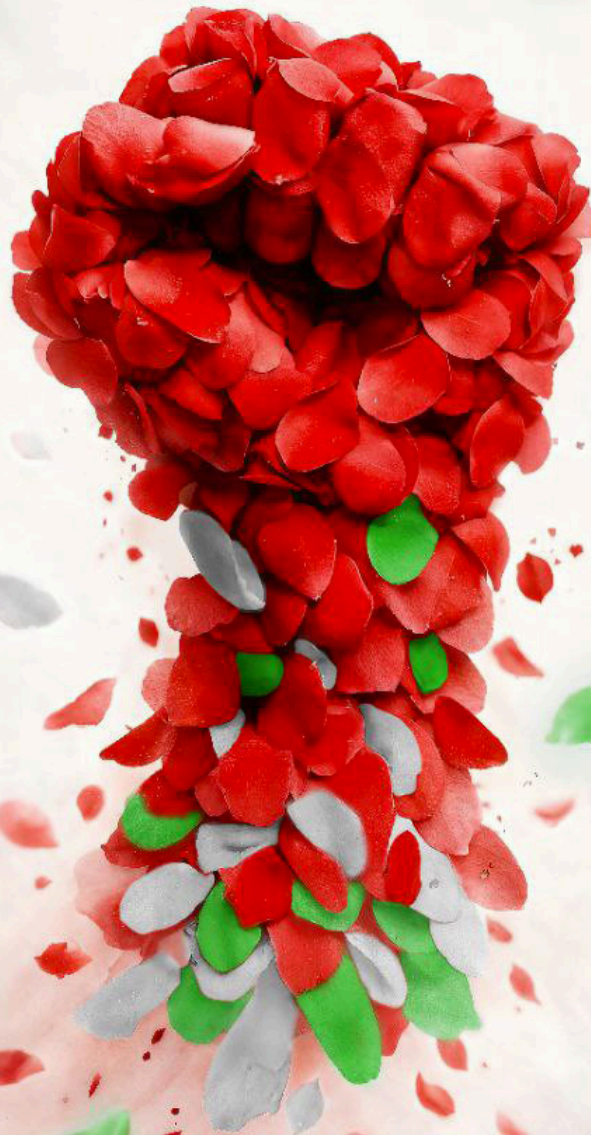
شخصیتی فقیه، عالم، ممتاز، برتر، مدیر، مدبر و بین‌المللی که انتخاب ایشان، تیری بر قلب قاتلین رهبر شهید و مایه امید و افتخار برای ملت ایران و آزادگان جهان است و بیعت‌های گسترده مردمی و نخبگانی، این انتخاب را خجسته‌تر، پربارتر و امیدآفرین‌تر ساخته است.

به امید امدادهای الهی و توفیقات روزافزون برای ایشان.



حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی ایمانی پور
رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

بزرگ‌ترین عامل توفیقات انقلاب اسلامی و نیل به تمدن نوین اسلامی در دوران پرآشوب معاصر، پیوند عمیق «امت - امامت» و استقرار «ولایت فقیه» در رأس نظام حکمرانی با الگوی مردم‌سالاری اسلامی است. تجربه دنیای معاصر نیز نشان می‌دهد که بسیاری از ناکامی‌ها، سقوط‌ها و چپاول جوامع، ریشه در فقدان رهبری ممتاز، شجاع و هدایت‌گر دارد. استعمارگران و استثمارگران جهانی، در تلاش برای مختل کردن حرکت عظیم جهانی بیداری انسانی و جریان گسترده بین‌المللی ضدصهیونیسمی، در ۹ اسفند ۱۴۰۴ هجری شمسی



پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵

پیام نوروزی سال ۱۴۰۵ سال «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی»

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ شمسی با مروری بر وقایع سال ۱۴۰۴ و سه جنگ نظامی و امنیتی تحمیلی بر ملت ایران و گرامیداشت یاد شهدا بخصوص رهبر شهید و عظیم‌القدر انقلاب، نونهالان مدرسه میناب، رزمندگان نیروهای مسلح و آحاد شهیدان، بر استمرار تمرکز بر مقوله اقتصاد و تأمین معیشت و تولید ثروت برای عموم مردم در سال جدید تأکید و با اشاره به تلاش‌های انجام شده برای تدوین نسخه‌ای جامع برای علاج مشکلات اقتصادی، سال ۱۴۰۵ را سال «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» خواندند. متن کامل پیام نوروزی رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا مقلب القلوب والابصار یا مدبّر اللیل و النهار یا محوّل الحول و الاحوال، حَوّل حالنا الی احسن الحال.

امسال بهار معنویت و بهار طبیعت یعنی عید سعید فطر و عید باستانی نوروز با یکدیگر تقارن پیدا کرده که این دو عید مذهبی و ملی را به یکایک آحاد ملت تبریک میگوییم و خصوص عید سعید فطر را به همه مسلمین جهان تهنیت میگوییم. همچنین لازم است بمناسبت پیروزیهای چشمگیر رزمندگان اسلام به همگان تبریک عرض کنم و به همه خانواده‌ها و بازماندگان شهدای و الامقام جنگ تحمیلی دوم و کودتای دی ماه و جنگ تحمیلی سوم و شهداء امنیت و مرزبانی و سربازان گمنام شهید، مراتب تسلیت و همدردی خود را ابراز نمایم. بمناسبت فرارسیدن سال شمسی ۱۴۰۵ عرائضی دارم که ذیلًا مطرح می‌نمایم.

ابتداءً مروری مختصر بر بعض وقایع مهم سال گذشته خواهم داشت. در سال گذشته مردم عزیز ما سه جنگ نظامی، امنیتی را تجربه کردند. جنگ اول، جنگ خرداد ماه بود که دشمن صهیونی با کمک خاص آمریکا و در بین مذاکرات، با تهاجمی ناجوانمردانه بعضی از بهترین سرداران و دانشمندان برجسته کشور و در ادامه حدود ۱۰۰۰ نفر از هموطنان ما را به شهادت رسانید. دشمن بخاطر اشتباه فاحش محاسباتی گمان میکرد که بعد از یک یا دو روز، این مردم خواهند بود که نظام اسلامی را سرنگون میسازند. ولی با هوشیاری شما مردم و رشادتهای بی‌نظیر رزمندگان اسلام و فداکاریهای فراوان، خیلی زود آثار بیچارگی و مسکنت در او ظاهر شد و با واسطه‌تراشی و اقدام به ترک مخاصمه، بنوعی خود را از لبه پرتگاه نجات داد.

جنگ دوم، کودتای دی ماه بود که آمریکا و نظام صهیونی به تصور اینکه مردم ایران در اثر مشکلات اقتصادی تحمیل شده، نظر دشمن را عملی مینمایند، با استفاده از مزدوران خود فجایع بیشماری را رقم زدند و عده بیشتری از هموطنان عزیزمان نسبت به جنگ سابق را به شهادت رسانیده و خساراتی فراوان وارد کردند.

جنگ سوم، جنگی است که اکنون در میانه آن هستیم که در اولین روز آن پدر مهربان امت، رهبر عظیم‌القدرمان اعلی الله مقامه الشریف را در حالیکه با اشتیاق فراوان در رأس قافله‌ای از شهیدان در سفری آسمانی بسوی جایگاهی می‌شتافت که برایش در سایه رحمت الهی و قرب انوار طّیبه و در عداد صدیقین و شهداء در نظر گرفته شده بود، با چشمانی اشکبار و قلوبی محزون و شکسته بدرقه کردیم. همچنین از همان روز به بعد بتدریج شهداء دیگر این جنگ از جمله نونهالان مدرسه شجره طّیبه میناب و ستارگان دلیر و مظلوم ناوشکن دنا و فرماندهان و

رزمندگان شهید سپاه و ارتش و فراجا و بسیج و سربازان گمنام و مرزبانان دلیر و سائر آحاد ملت از خردسال و بزرگسال هم که در کاروانی از جنس نور از مقابل ما عبور کردند را با حسرت فراوان بدرقه نمودیم. این جنگ، بعد از ناامیدی دشمن از حرکت مردمی چشمگیر بنفع خودش، و با این توهم صورت گرفت که اگر رأس نظام و عده‌ای از مؤثرین نظامی را بشهادت برساند، در شما مردم عزیزمان ترس و یأس ایجاد کرده، موجب ترک عرصه از سوی شما شده و از این طریق رویای تسلط بر ایران و سپس تجزیه آن را تحقق خواهد بخشید. ولی شما در این ماه مبارک، صیام را با جهاد توأم کرده و خطّ دفاعی گسترده‌ای به وسعت کشور و سنگرهای مستحکم به تعداد میادین و محلات و مساجد آن فراهم کردید و اینطور ضربه‌ای گنج‌کننده به او وارد ساختید؛ بطوریکه به گفتن کلمات متناقض و یاوه‌گوئی‌های متعددی که علامت عدم هوشیاری و وجود ضعف ادراکی است، افتاد.

شما قبلاً در ۲۲ دی کودتا را سرکوب کردید و در ۲۲ بهمن بار دیگر ضدیّت خود با استکبار جهانی، و خستگی‌ناپذیری خود را نشان دادید و در ۲۲ اسفند که مصادف با روز قدس بود با زدن این ضربه به او فهمانیدید که سر و کارش فقط با موشک و پهپاد و اژدر و امور نظامی نیست؛ خط مقدم ایران خیلی بزرگتر از ذهنیت حقیر و کوچک او است. بنده جا دارد در همین جا از تک تک مردم عزیز بخاطر خلق این حماسه عظیم تشکر کنم؛ همچنین از رئیس‌جمهور شجاع، صادق و مردمی و مسئولین دیگری که در این مراسم، بی‌آلایش و تشریفات در بین مردم حاضر بودند. این قسم کار و تظاهر به آن فی‌نفسه می‌تواند امری بسیار مُستحسن باشد که انسجام بین ملت و حکمرانان را هر چه بیشتر قوت می‌بخشد. در حال حاضر در اثر وحدت عجیبی که بین شما هموطنان با همه تفاوت خاستگاههای مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده، در دشمن شکستگی بوجود آمده است. این را باید نعمتی خاص از ناحیه حضرت حق جلّ و علا دانست و بسیار بر آن با زبان و در دل و هم در مقام عمل، شکر بجا آورد. یکی از قواعد تخلف‌ناپذیر این است که هرگاه نعمتی مورد شکر قرار گیرد، به تناسب مقدار شکر، ریشه‌اش استوارتر شده یا ارتقاء می‌یابد و عنایات بیشتری روانه فرد شاکر میگردد. آنچه فعلاً در مقام اقدام به شکر عملی لازم است، این است که ما این نعمت عظمی را صرفاً رحمتی از ناحیه حضرت حق جلّ و علا بدانیم و تا حد ممکن از آن خوب استفاده کنیم. اینطور حتماً این انسجام بیشتر و پولادین‌تر شده و دشمنان خوار و خفیفتر خواهند شد. اینها مروری بود بر بعضی وقایع مهم سال ۱۴۰۴. اما حال که در آستانه سال ۱۴۰۵ قرار گرفته‌ایم، با چند چیز مواجه هستیم. یکی این است که میهمان عزیزمان ماه مبارک رمضان ۱۴۴۷ را برای همیشه وداع می‌گوئیم. ماهی که

دیگر چیزی که با آن مواجه هستیم مناسبت مهم عید باستانی نوروز است. عیدی که ارمغانی از طبیعت از جنس نو شدن و طراوت و زندگی را با خود همراه دارد و مناسبت تأمی با شادی و خرمی دارد.

از سوئی برای عموم مردم این اولین سالی است که رهبر شهیدمان و سائر شهداء والامقام در بین ما نیستند. بخصوص قلوب خانواده‌ها و بازماندگان شهداء، داغدار عزیزانشان است. در عین حال بنده به سهم خود و بعنوان یک شهروند ساده که چند شهید در دایره اطراف خود دارم، تصور میکنم ما در عین اینکه لباس عزا بر تن داریم و قلوبمان آشیانه غم و اندوه برای عموم شهیدان است، اما خیلی خوشحال میشویم که در این ایام، نوعروسان و نودامدهای ما به خانه بخت بروند و ان شاء الله دعای رهبر شهیدمان و سائر شهداء بزرگوار این جنگ، بدرقه راه این عزیزان باشد و توصیه میکنم که عموم مردم دید و بازدیدهای معمول این ایام را البته با حفظ احترام به بازماندگان شهداء و رعایت حال ایشان داشته باشند؛ و ای بسا مردم هر محله‌ای در صورتیکه هماهنگی لازم بعمل آید و ممکن شود دیدارهای سال نو خود را با تکریم شهداء همان محل آغاز نمایند. البته مدتی که دولت محترم برای مصیبت شهادت رهبر عزیزمان مقرر کردند به جای خود باقی است و رعایت و حفظ آن، ضلعی از عظمت این نظام و کشور تلقی میشود.

بعد از این کلمات عرائض مختصر دیگری هست.

اولاً باید از کسانی که در این روزها در کنار حضور در میادین و محلات و مساجد با تلاش مضاعف نقش اجتماعی خود را پررنگتر می‌نمایند بطور خاص تشکر کنم. از جمله بعضی واحدهای تولیدی اعم از دولتی و خصوصی و از جمله بعضی



گرم خود می‌فشاریم و با خوف و رجاء منتظر عیدی حضرت حق تبارک و تعالی هستیم. امیدوارم پس از آن حضورهای وظیفه‌شناسانه شبانه و روزانه شما ملت عزیز و خلق حماسه روز قدس، حق تعالی جز با کرم و حلم و عفو و لطف عمیم خود که ما و شما با آن خو گرفته‌ایم با ما رفتار نفرمایند و بخصوص امیدواریم بزودی با بشارت گشایش کلی در امر ظهور عام سرورمان حضرت ولی الله الاعظم، قلب مبارک آنجناب را پر از سرور فرمایند که از قبل آن، انواع برکات بر اهل دنیا نازل خواهد شد بَمَنَّهُ و کرمه.

در لیلۃ‌القدر آن دل‌هایتان متوجه عالم بالا شد و خداوند مهربان را صدا زدید و آنحضرت هم نظر مرحمتشان را متوجه شما کردند. شما از سرورمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خدایش، فتح و ظفر و عافیت و انواع نعم را خواستید و لابد با سابقه عنایتی که همیشه به این نظام و این ملت بوده، ان شاء الله یا عین آنچه سؤال قلبی شما بوده یا بهتر از آن را دریافت خواهید کرد. همزمان با این وداع که هر چه معرفت انسانها بیشتر باشد، تلخ‌تر و اندوه بارتر خواهد بود، هلال سعید و پُر یمن شوال المکرم را در آغوش

اصناف خدماتی و بخصوص افرادی که صرفاً انواع خدمات مفید را بدون اینکه شغلشان اقتضاء کند، بطور رایگان به مردم ارائه میکنند و الحمدلله به وفور از این نوع وجود دارد.

ثانیاً یک مسیر دشمن، عملیات رسانه‌ای او است که در این ایام بطور خاص با نشانه‌گیری ذهن و روان آحادی از مردم قصد خدشه در وحدت ملی و به تبع در امنیت ملی را دارد. ما باید مواظب باشیم تا مبادا در اثر سهل‌انگاری و بدست خود ما این قصد شوم تحقق یابد. از این رو توصیه‌ام به رسانه‌های داخلی کشورمان با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی که ممکن است داشته باشند این است که از پرداختن به نقاط ضعف بطور جدی خودداری کنند. در غیر اینصورت امکان وصول دشمن به مقصودش وجود دارد. ثالثاً یک روزنه امید دشمن، بهره‌گیری از ضعف‌های اقتصادی و مدیریتی است که از دیرباز شکل گرفته است. رهبر شهیدمان اعلی‌الله مقامه در سال‌های مختلفی محور اصلی و شعار سال را متوجه امر اقتصاد کرده بودند. بنظر قاصر این حقیر هم تأمین معیشت مردم و ارتقاء زیرساخت‌های زیستی و رفاهی و تولید ثروت برای عموم مردم نکته کانونی و نوعی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی که دشمن براه انداخته تلقی شود. از توفیقات بنده امکان شنیدن سخنان مردم عزیز از انواع طبقات اجتماعی بوده است. از جمله در بازه‌ای زمانی، با هیئتی ناشناس با شما در تاکسی که به درخواست خودم تهیه شده بود در خیابانهای تهران همسفر میشدم و به سخنانتان گوش فرا میدادم و این نوع نمونه‌گیری را از خیلی از نظرسنجی‌ها برتر میدانستم. برداشت بنده در خیلی موارد موافق کلمات شما که معمولاً بشکل انتقادات مختلف مربوط به

جهات اقتصادی و مدیریتی بیان میشد، بود. در این ضمن خیلی چیزها از شما فرا گرفتم و همچنان بدنبال یادگیریهای جدید هستم. از جمله در همین ایام قبل و بعد از ۱۹ رمضان المبارک باز هم از افراد مختلفی از شما که در میادین حضور داشتید مواردی را آموختم. امیدوارم از این نعمت محروم نشوم. در پی این آموختن‌ها و شنیدن‌ها و سائر مطالعات، تلاشی به عمل آمده که نسخه‌ای از کارساز و کارشناسی شده تدوین شود که تا حد ممکن جامع‌الاطراف بوده باشد که بحمدالله تا حد قابل قبولی این مطلب تحقق پیدا کرده و بزودی آماده عمل توسط مسئولین عالی‌همت با همکاری همه آحاد ملت خواهد بود، ان‌شاءالله تعالی. و در آخر این قسمت با تاسی به رهبر عظیم‌الشأن شهید، شعار امسال را «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام میدارم.

رابعاً و آخراً آنچه بنده در بیانیه نخستین در مورد دیدگاه و سیاست نظام در باب مراد با کشورهای همسایه ذکر کرده‌ام، امری جدی و واقعی است. ما جدا از عنصر همسایگی، عناصر معنوی دیگری که در صدر همه اشتراک در تدین به دین مبین اسلام است و همچنین وجود مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه در بعضی از آن و حضور ایرانیان زیادی بعنوان ساکن و شاغل در بعضی دیگر و قومیت مشترک یا هم‌زبانی یا منافع راهبردی مشترک بخصوص در مقابل جبهه استکبار در بعضی دیگر که هر یک به تنهایی در جای خود میتواند تحکیم‌کننده روابط حسنه باشد، را سراغ داریم. از جمله همسایگان شرقی خود را خیلی بخود نزدیک میدانیم. بنده از دیرباز در مورد پاکستان میدانستم که کشوری است که مورد علاقه خاص رهبر شهیدمان بود که نمونه‌اش در بغض‌گلویشان در خطبه‌های نماز بخاطر سیل

ویرانگری که جان مردم هم‌کیش ما را در آنجا تهدید می‌کرد ظاهر شد. و بنده هم بدلائل مختلف همیشه همینطور فکر میکردم و از ابراز آن در جلسات مختلف خودداری نمی‌کردم. در همین‌جا میخواهم تقاضا کنم که دو کشور برادرمان یعنی افغانستان و پاکستان باید برای رضای الهی و عدم شقّ عصای مسلمین هم که شده روابط بهتری با هم برقرار سازند و بنده به سهم خود حاضر به اقدامات لازمه هستم. همچنین متذکر میشوم حملاتی که در ترکیه و عمان که هر دو با ما روابط مناسبی دارند، علیه بعضی از نقاط این کشورها صورت گرفته به هیچ‌وجه از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سائر نیروهای جبهه مقاومت نبوده است. این حیل‌های است که دشمن صهیونی با استفاده از ترفند پرچم دروغین برای ایجاد تفرقه بین جمهوری اسلامی و همسایگانش صورت میدهد و ممکن است در بعضی کشورهای دیگر هم اتفاق بیفتد. بقیه مطالب مربوط به این بخش را قبلاً ذکر کرده‌ام.

امیدوارم با دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه و عنایت حضرت باریتعالی سالی خوب و پر از پیروزی و انواع گشایش‌های مادی و معنوی برای ملت ما و همه همسایگان و ملل مسلمان و بخصوص عناصر جبهه مقاومت، و سالی نه‌چنین برای دشمنان اسلام و بشریت در پیش روی داشته باشیم. وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُبْرِئَ فَرْعُونَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ. صدق الله العلی العظیم و صدق رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشّاهدين.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۹/اسفند/۱۴۰۴



چرا آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای گزینه‌ای منطقی برای مقام رهبری است؟



آمد. این دیدگاه ریشه در روابط غنی و دیرینه‌ی میان دو ملت دارد؛ پیوندی که قدمتی نزدیک به سه هزار سال داشته و با رشته‌های مشترک زبان، فرهنگ و حافظه تاریخی به هم گره خورده است. در عرصه پیچیده و اغلب مبهم سیاست عالی ایران، مسئله جانشینی هرگز صرفاً موضوعی مربوط به تبار و نسب نبوده است؛ بلکه در اصل، مسئله‌ای حیاتی برای بقای حکومت محسوب می‌شود. نحوه هدایت ایران توسط سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در مواجهه با سرنوشت‌سازترین چالش‌های امنیتی، هم‌زمان تحسین و شگفتی ناظران را برانگیخته است؛ و این واکنش نه تنها در میان دشمنان کشور، بلکه حتی در محافل نزدیک‌ترین متحدان آن نیز دیده می‌شود. رویکرد او با ترکیبی کم‌نظیر از «صبر



به قلم: آنیل نارندرا
 سردبیر روزنامه‌های «دیلی پراتاپ»،
 «دیلی ویر آرجون»
 و «ساندیا ویر آرجون» - دهلی نو

مردم هند در برابر مناقشه کنونی - که بسیاری آن را ناعادلانه و تحمیل‌شده از سوی عوامل خارجی می‌دانند - با مردم ایران اعلام همبستگی می‌کنند. در میان افکار عمومی هند این باور قوی وجود دارد که ایران تحت رهبری آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، پایداری و تاب‌آوری خود را به اثبات خواهد رساند و با حفظ کامل حاکمیت خویش، از این بحران سربلند بیرون خواهد

راهبردی و «محاسبات دقیق» همراه بوده است، به گونه‌ای که گویی هر اقدام، واکنش متقابل او، نه برآمده از هیجان یا اقتضائات لحظه‌ای، بلکه حاصل تأمل و سنجش عمیق است.

آنچه به‌ویژه توجه تحلیلگران منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود جلب کرده، سطح فوق‌العاده‌ای از بلوغ سیاسی و اجرایی است که آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای از زمان تصدی جایگاه رهبری از خود نشان داده است. تسلط او بر ساختار پیچیده امنیتی ایران، ظرافت‌های لازم برای ایجاد توازن در سیاست خارجی و مدیریت دقیق و هوشمندانه امور داخلی، تصویری از رهبری را ترسیم می‌کند که بسیار پیش از انتصاب رسمی، در عالی‌ترین سطوح قدرت حضور و مشارکت داشته است. کارشناسان و ناظرانی که عملکرد او را به دقت بررسی کرده‌اند، تردیدی ندارند که او صرفاً برای این نقش آماده نشده بود، بلکه از بسیاری جهات حائز اهمیت، عملاً پیش از آن نیز در حال ایفای این نقش بوده است. برای نظامی انقلابی که دهه‌هاست ضمن نمایش قاطعیت ایدئولوژیک، بی‌سروصدا شکاف‌های درونی خود را مدیریت کرده است، انتقال عالی‌ترین سطح قدرت یکی از سرنوشت‌سازترین تصمیماتی است که جمهوری اسلامی با آن روبرو خواهد شد. در شرایطی که ایران دورانی آکنده از فشارهای فزاینده و تنش‌های خارجی بی‌وقفه را سپری می‌کند، طرح نام «سید مجتبی حسینی خامنه‌ای» به عنوان رهبر عالی بعدی، قاطعانه از حیطه عواطف و پیوندهای خانوادگی فراتر رفته و به عرصه محاسبات واقع‌گرایانه در حکمرانی عملی وارد شده است.

برخی منتقدان به سرعت به سراغ زبان سلسله می‌روند - و به جنبه‌های انتقال موروثی به عنوان گواهی بر نظامی که به اصول انقلابی خود خیانت کرده است، اشاره می‌کنند. این در ظاهر، نظر منصفانه‌ای است. اما کسانی که نامزدی سید مجتبی را به خویشاوندسالاری تقلیل می‌دهند، داستان مهم‌تر را نادیده می‌گیرند: اینکه او در طول چندین دهه، بی‌سروصدا در مرکز ساختاری قدرت دولتی ایران بوده است. او صرفاً فرزندی نیست که در حاشیه منتظر فرصت مانده باشد؛ بلکه بنا بر معتبرترین روایت‌ها، قوی‌ترین و بهترین گزینه بوره است زیرا سید مجتبی مسلط بر چیزی است که هیچ‌یک از دیگر گزینه‌های احتمالی نمی‌توانند مدعی آن باشند: آشنایی بی‌همتا با «بیت رهبری» و عملکرد دفتر رهبر معظم. در حالیکه عرصه سیاست ایران همواره روحانیون بلندپرواز، فرماندهان زیرک و تکنوکرات‌های کارکشته‌ای را به صحنه می‌آورد، اما دفتر رهبر معظم انقلاب دنیایی منحصربه‌فرد و مستقل دارد؛ کانونی هزارتو و پیچیده متشکل از اطلاعات، شبکه‌های حامی‌پروری، اقتدار مذهبی و هماهنگی‌های راهبردی که عمدتاً در سایه فعالیت می‌کند. سید مجتبی بخش عمده‌ای از دوران بزرگسالی خود را در همین دنیا سپری کرده است.

او که سال‌ها به عنوان اصلی‌ترین متولی دسترسی به رهبر و هماهنگ‌کننده اجرای سیاست‌های پدرش عمل کرده، از اندوخته‌ای از «حافظه‌ی سازمانی» برخوردار است که حقیقتاً جایگزینی ندارد. او گزارش‌های اطلاعاتی‌ای را دیده که هرگز به دست دیگران نمی‌رسد و جریان اطلاعات میان کانون‌های قدرت رقیب را مدیریت کرده است. او با جزئیاتی دقیق می‌داند که کدام اهرم‌ها چرخ این دستگاه را به حرکت درمی‌آورند و کدام رقابت‌ها را باید به جای حل و فصل کردن، با ظرافت مدیریت کرد. این، تصویر یک وارث سیاسی در حال یادگیری حین کار نیست؛ بلکه تصویر مردی است که از هر منظر عملیاتی، عملاً همین وظایف را بر عهده داشته و انجام داده است.

نقش او به عنوان حلقه اتصال میان قوه قضائیه، سرویس‌های اطلاعاتی و قوه مجریه بدین معناست که گذار او به رهبری رسمی کشور، موجب تداوم نهادی تاثیرگذار و تقریباً بدون هیچ‌گونه وقفه در عملکرد اجرایی می‌باشد. در نظام‌هایی که انتقال رهبری معمولاً موجب بروز خلأ قدرت، تصفیه‌های جناحی و فلج شدن سیاست‌گذاری‌ها می‌شود، این ویژگی نه امری تصادفی، بلکه عاملی تعیین‌کننده است.

اگرچه ممکن تست تصور شود که هیچ‌گونه تحلیلی درباره مسئله جانشینی در ایران نمی‌تواند از نقش «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» غافل بماند، باید در نظر داشت که سپاه صرفاً یک نهاد نظامی است و ستون فقرات و نیروی محافظ نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود؛ نیرویی که بارها آمادگی خود را برای دفاع از بقای این نظام در برابر دشمنان خارجی و چالش‌گران داخلی به اثبات رسانده است.

درست است که وی در دوران شکل‌گیری شخصیتش در جنگ ایران و عراق شرکت داشت - دورانی که پیوندهای وفاداری و ایثار مشترک، در سخت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین شرایط ممکن شکل گرفتند - و سطح بالایی از اعتماد متقابل میان سید مجتبی و تشکیلات نظامی-امنیتی ایجاد کرده است که هیچ نامزد بیرونی‌ای، صرف‌نظر از سوابق حوزوی یا شِم سیاسی‌اش، قادر به بازسازی آن نخواهد بود، اما نباید فراموش کرد که معیار اصلی مجلس خبرگان رهبری دانش علمی-اسلامی و سیاسی وی و تجربیات ارزشمندی بود که ایشان در طول رهبری پدرش کسب نموده بود.

شاید پایدارترین ایراد وارده بر جانشینی آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، مربوط به مشروعیت دینی باشد. رهبر جمهوری اسلامی باید از اقتداری اصیل در درون نهاد روحانیت شیعه - یعنی جایگاه مرجعیت - برخوردار باشد؛ حال آنکه منتقدان مدت‌هاست این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا او از آن جایگاه علمی و فقهی لازمه‌ی چنین نقشی برخوردار است یا خیر.



این پرسش نیازمند پاسخی دقیق‌تر از آن چیزی است که معمولاً دریافت می‌کند. سال‌هاست که سید مجتبی به تدریس «درس خارج» اشتغال دارد؛ دوره‌ای پیشرفته در فقه اسلامی که عالی‌ترین سطح آموزش رسمی دینی در سنت شیعی محسوب می‌شود. این نقش، عنوانی تشریفاتی یا افتخاری نیست، بلکه سازوکاری است که از طریق آن عالمان برجسته، شبکه‌ای از شاگردان وفادار گرد هم می‌آورند و مرجعیت علمی و فکری خود را در میان جامعه روحانیت تثبیت می‌کنند. حضور مستمر او در نظام حوزوی قم، بازتاب‌دهنده‌ی تلاشی بلندمدت و هدفمند برای کسب صلاحیت‌های دینی لازمه‌ی این جایگاه است.

نتیجه، برخورداری از شایستگی دوگانه‌ای است که «سید مجتبی» را تقریباً از تمامی چهره‌های دیگر مطرح در بحث جانشینی متمایز می‌سازد. او ویژگی‌های یک «آیت‌الله در آستانه مرجعیت» را — که از اعتبار حوزوی کافی برای تعامل با نهاد رسمی حوزه بر اساس قواعد و معیارهای خود آن نهاد برخوردار است — با خصوصیات یک کنشگر سیاسی کارکشته درمی‌آمیزد؛ کسی که دهه‌ها تجربه فعالیت در لایه‌های بوروکراتیک و امنیتی قدرت حکومتی را در کارنامه دارد. دقیقاً همین ترکیب است که نظام تلفیقی جمهوری اسلامی — مبتنی بر هم‌نشینی اقتدار مذهبی و سیاسی — برای تصدی عالی‌ترین مقام خود می‌طلبد.

انتقال قدرت در هر نظام انقلابی، لحظه‌ای از آسیب‌پذیری ساختاری است. نامزدهای خارج از دایره‌ی قدرت مستقر — هرچقدر هم که کارآمد و برجسته باشند — با خود بار بی‌ثبات‌کننده‌ی بازآرایی جناح‌ها را به همراه می‌آورند؛ ضرورت شکل‌دهی به ائتلاف‌های تازه، برچیدن شبکه‌های پیشین، و خطر همیشگی بروز شکاف میان نهاد روحانیت و دستگاه امنیتی؛ یعنی همان دو ستونی که کل نظام بر آن‌ها استوار است.

آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به عنوان فردی بیگانه وارد میدان نمی‌شود؛ بلکه او کسی است که مدت‌هاست در کانون قدرت حاکمیت ایران حضور داشته است — مدتی حتی طولانی‌تر از دوران تصدی بسیاری از مقامات کنونی. ارتقای او به مقام رهبری عالی، بیش از آنکه سرآغاز وضعیتی تازه باشد، در واقع رسمیت بخشیدن به نقشی است که او مدت‌هاست در کنار پدرش ایفا می‌کرده است. برای کسانی که ایدئولوژی را بر ثبات مقدم می‌دانند، این نتیجه‌گیری ممکن است ناخوشایند باشد؛ اما برای کسانی که درک می‌کنند بقای جمهوری اسلامی بیش از هر چیز به انسجام نهادها و تداوم ساختارهای قدرت آن وابسته است، گریز از این منطق دشوار است. مهم‌ترین پرسش در باب جانشینی در ایران این نیست که چه کسی شایستگی تکیه زدن بر آن جایگاه را دارد، بلکه این است که چه کسی هم‌اکنون بر آن تکیه زده است. در مورد آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، پاسخ و استدلال دقیقاً یکی است.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از نعمتهای بی‌بدیل خداوند متعال برای ملت‌های مسلمان منطقه‌ی ما خصوصاً مردم شریف ایران اسلامی، موهبت «خلیج فارس» است. نعمتی فراتر از یک پهنه‌ی آبی که بخشی از هویت و تمدن‌مان را شکل داده و علاوه بر نقطه اتصال ملت‌ها، مسیر حیاتی و منحصر به فرد اقتصاد جهانی را در تنگه هرمز و پس از آن دریای عمان ایجاد کرده است.

این سرمایه‌ی راهبردی، طمع شیاطین بسیاری را در قرن‌های گذشته برانگیخته و سابقه‌ی تجاوزهای مکرر بیگانگان اروپایی و امریکایی، ناامنی‌ها، ضررها و تهدیدهای متعدد برای کشورهای منطقه، تنها گوشه‌ای از نقشه‌های شوم مستکبران جهان علیه ساکنان منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد که تازه‌ترین نمونه‌ی آن قذّاره‌کشی‌های اخیر شیطان بزرگ بود.

ملت ایران که دارای بیشترین ساحل خاکی خلیج فارس است، بیشترین جانفشانی‌ها را در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان داشته است؛ از اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز که مبنای نامگذاری دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس شده است، تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس و ... اما انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه‌ی خلیج فارس بود و امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه‌ی امریکا در نقشه‌ی خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است.



امروز برانگیختگی معجزه‌گون ملت ایران، منحصر در ده‌ها میلیون جان‌فدای مبارزه با صهیونیسم و امریکای خون‌ریز نمانده و پیشاپیش صفوف به هم پیوسته امت مبعوث شده‌ی اسلامی؛ نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین - از نانو و بیو تا هسته‌ای و موشکی - را سرمایه‌ی ملی خود فرض کرده و همچون مرزهای آبی، خاکی و هوایی پاسدار آن خواهند بود.

ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه‌ی خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید. قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه‌ی ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت را شاد خواهد کرد؛ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۱۰/اردیبهشت/۱۴۰۵

ملت‌های منطقه خلیج فارس که سال‌های متمادی به سکوت و ذلت‌پذیری حاکمان در برابر زورگویان و تجاوزکاران عادت کرده بودند، در شصت روز گذشته جلوه‌های زیبای صلابت، هوشیاری و مجاهدت دل‌آوردان نیروهای دریایی ارتش و سپاه را در کنار غیرت و سلحشوری مردم و جوانان خطه‌ی جنوب ایران عزیز در نفی سلطه‌ی بیگانگان به چشم خود دیدند.

امروز به عنایات حضرت حق جَلَّوَعَلَا و به برکت خون شهدای مظلوم جنگ تحمیلی سوم علی‌الخصوص رهبر عظیم‌الشأن و دوراندیش انقلاب اسلامی اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، نه فقط در میان افکار عمومی جهان و ملت‌های منطقه، حتی برای سلاطین و حاکمان کشورها نیز ثابت شد که حضور بیگانگان امریکایی و لانه‌گزینی و آشیانه‌کردن آنها در سرزمین‌های خلیج فارس، مهمترین عامل ناامنی در منطقه است و پایگاه‌های پوشالی امریکا تاب و توان تأمین امنیت خود را نیز ندارد، چه رسد به اینکه امیدی به تأمین امنیت وابستگان و امریکاپرستان منطقه توسط امریکا باشد.

به حول و قوه الهی آینده‌ی درخشان منطقه‌ی خلیج فارس، آینده‌ای بدون امریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود. ما با همسایگان‌مان در پهنه‌ی آبی خلیج فارس و دریای عمان «هم‌سرنوشت» هستیم و بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر، طمع‌کارانه در آن شرارت می‌کنند، جایی در آن ندارند مگر در قعر آب‌هایش. و زنجیره‌ی این ظفر که به لطف پروردگار تبارک و تعالی در سایه‌ی تدابیر و سیاست‌های مقاومت و راهبرد ایران قوی محقق شده است، طلیعه‌ی نظم جدید منطقه و جهان خواهد بود.



میان مردم و نیروهای انقلابی، فضای خانه را به محیطی آگاهانه و متعهدانه تبدیل کرده بود و همین امر سبب شد تا او از همان سال‌های نخست زندگی، با مفاهیمی چون مقاومت، مبارزه و پایبندی به ارزش‌های دینی مأنوس شود.

مهدی مشکی، دوست و هم‌درس: معروف است که چند سال پس از تولد فرزند اول رهبر شهید، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای صاحب فرزند دیگری می‌شوند که پس از یک یا دو ماه فوت می‌کند. یکی از عرفا در آن زمان به ایشان بشارت داده بود که خداوند فرزندش را به تو عطا می‌کند که بسیار به خودت شباهت دارد. کسی که این بشارت را داد، معروف به «آقا نور» در مشهد بود. اکنون به وضوح مشخص است که شباهت فرزند دوم ایشان (آقا-مجتبی) به خود آقا، از لحاظ ظاهری، نسبت به سه فرزند پسر دیگرشان بسیار زیاد است.

از منظر خانوادگی، خاندان خامنه‌ای از سادات حسینی هستند و نسب آنان به امامزاده سلطان سید محمد می‌رسد؛ شخصیتی که با چند واسطه به حضرت امام سجاد (علیه السلام) منتهی می‌شود. امامزاده سلطان سید محمد در دوران فشار و اختناق عباسیان، به مناطق مرکزی ایران، از جمله تفرش، آشتیان و فراهان مهاجرت کرد و مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفت، اما سرانجام به‌دست مأموران حکومت عباسی در تفرش به شهادت رسید و مزار او امروز در میقان اراک قرار دارد. در ادامه این سلسله نسب، برخی از نوادگان ایشان، از جمله سید محمد، به آذربایجان مهاجرت کرده و در شهر خامنه ساکن شدند؛ شهری که بعدها نام خانوادگی این خاندان نیز از آن گرفته شد. نسل‌های بعدی این خاندان، از جمله



از تبار حسین

دینی و روحیه معنوی درآمیخته بود. او در خانواده‌ای پرورش یافت که پدر بزرگوارش، امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه)، از چهره‌های شاخص و فعال در عرصه مبارزات علیه حکومت پهلوی به‌شمار می‌رفت. فعالیت‌های سیاسی، تبلیغی و حضور مستمر پدر در

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) در ۱۷ شهریور ۱۳۴۸ در شهر مشهد و در فضایی سرشار از معنویت و علم چشم به جهان گشود. خانه‌ای که در مجاورت حرم مطهر امام رضا علیه السلام قرار داشت، نخستین بستر تربیتی او را شکل داد؛ محیطی که از همان آغاز، با آموزه‌های



شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای

به صدا درمی‌آید و صدای من را می‌شنوند؛ من آزاد شده بودم و از خانه‌ی برادرم در تهران با آنها تماس گرفته بودم. زندگی مشترک سید علی خامنه‌ای و همسرش با الگوی رایج بسیاری از خانواده‌های روحانی آن دوره شکل گرفته بود؛ الگویی که در آن مناعت طبع، پرهیز از تجمل، توجه به پاکدستی مالی و اداره زندگی با حداقل امکانات اهمیت داشت. در روایت‌های زندگی‌نامه‌ای آمده است که این خانواده در سال‌های پیش از انقلاب در شرایطی بسیار ساده می‌زیستند و روحیه قناعت و بی‌اعتنایی به مظاهر مادی در میان اعضای خانه نهادینه شده بود؛ چنان‌که خود فرزندان نیز از همان کودکی با این شیوه زیست خو گرفتند و آن را بخشی از تربیت خانوادگی خود می‌دانستند. سید مجتبی خامنه‌ای نیز که در چنین محیطی رشد یافت، در سال‌های بعد در زندگی شخصی و خانوادگی خود همین الگوی احتیاط مالی، پرهیز از تجمل و ساده‌زیستی را ادامه داد؛ الگویی که ریشه آن را باید در فضای تربیتی خانواده و شیوه زندگی پدر و مادرش جست‌وجو کرد.

افراد خانواده بعداً از رنج‌ها و گرفتاری‌ها و نومیدی‌های خود در مدت حبس من [در زندان‌های رژیم پهلوی]، چیزهای عجیبی برایم تعریف کردند. هم‌سرم برایم نقل کرد که مادرش پسر مجتبی را - که کودکی بود سرشار از معصومیت و پاکی و سلامت روحی و عشق و عاطفه و پایبندی به عبادات - به حرم حضرت رضا (علیه‌السلام) می‌برده و به او می‌گفته: به وسیله‌ی امام رضا به خدای متعال متوسل شو و از خدا بخواه که پدرت را از زندان آزاد کند. کودک، معصومانه رو به امام (علیه‌السلام) کرده و به او توسل جسته. یک شب دیگر سید مجتبی با مادر بزرگش به حرم رفته و صحنه تکرار شده؛ اما این بار نشانه‌های تأثیری شدید در سید مجتبی ظاهر شده، گریه و زاری کرده و با لحنی که حاکی از لبریز شدن کاسه‌ی صبر کودک و سوز و گداز عمیق او بوده، با امام رضا (ع) صحبت کرده. او مثل کسی که در برابر امام ایستاده، با امام صحبت می‌کرده و به شدت اشک می‌ریخته؛ به حدی که مادر بزرگش از کرده‌ی خود پشیمان شده و تصمیم گرفته که دیگر این کار را از سید مجتبی نخواهد. دو روز بعد، تلفن خانه



آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای:



در میدان جهاد

خطوط مقدم بیشتر با روحیه داوطلبانه و تلاش برای مشارکت در مأموریت‌های دشوار همراه بود؛ چنان‌که در برخی عملیات‌ها، اصرار داشت همراه نیروهای خط‌شکن به منطقه درگیری نزدیک شود و حتی در شرایطی که امکان دور نگه‌داشتن او از نقاط پرخطر وجود داشت، این پیشنهاد را نمی‌پذیرفت. این نوع حضور، که در خاطرات مربوط به عملیات‌هایی مانند «بیت‌المقدس» و نیز روزهای پایانی جنگ در عملیات «مرصاد» بازتاب یافته است، سبب شده بود بسیاری از رزمندگان جوان احساس کنند فرزندان مسئولان ارشد کشور نیز همانند آنان در میدان نبرد حاضرند و همین موضوع بر روحیه جمعی نیروها اثر می‌گذاشت.

بود. او مدتی عضو گردان حبیب بن مظاهر شد که از گردان‌های خوش‌نام لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله بود و بسیاری از نیروهای جوان و داوطلب در آن سازمان‌دهی شده بودند و در عملیات‌های مهم جبهه‌های غرب و شمال‌غرب کشور به کار گرفته می‌شدند. وی در کنار رزمندگانی قرار داشت که بعدها به فرماندهان شناخته‌شده سپاه تبدیل شدند و تجربه حضور در عملیات‌هایی را داشت که در خاطرات فرماندهان جنگ بازتاب ویژه‌ای یافت، از جمله «بیت‌المقدس ۲»، «بیت‌المقدس ۳»، «و الفجر ۱۰» و «مرصاد». بر پایه روایت‌هایی که هم‌زمان و فرماندهان نقل کرده‌اند، حضور او در

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به سقوط نظام پهلوی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی انجامید. اندکی بعد، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۸، ارتش بعث عراق به رهبری صدام با حمایت برخی قدرت‌های بین‌المللی و کشورهای منطقه به ایران حمله کرد. آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در مدرسه علوی تهران، در سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۶، زمانی که تنها ۱۷ سال داشت، به صورت داوطلبانه طی چند عزیمت به جبهه رفت؛ این در زمانی بود که پدر ایشان، رئیس‌جمهور ایران

سرلشکر شهید نورعلی شوشتری:

فرزندان آقا به دفعات در جبهه نبرد حاضر شدند و در عملیات‌های مختلف شرکت کردند؛ مثلاً یک شب در عملیات «بیت المقدس ۳» بود که دیدیم «آقا سید مجتبی» با پسر آقای هاشمی رفسنجانی که در آن زمان رئیس مجلس بود، آن جا ظاهر شدند. این عملیات خیلی پیچیده بود... آنها هم اصرار داشتند که باید شرکت کنند... و با فرزند آقای هاشمی راه افتادند به طرف خط، من هر چه کردم نتوانستم آنها را نگه دارم و رفتند. روز بعد که به منطقه رفتم، دیدم اینها روی ارتفاعات «قشَن»... در نوک نقطه دفاعی قرار گرفته‌اند



پیوند آسمانی

دختر به نام فاطمه بود. زهرا حداد عادل، سومین فرزند دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، بود. او مدرک کارشناسی ارتباطات خود را از دانشگاه علامه طباطبایی و مدرک کارشناسی ارشد مدیریت خبر خود را از دانشکده صداوسیما گرفت. زهرا حداد عادل پس از ازدواج و همراه با تربیت فرزندان، به فعالیتهای علمی و اجتماعی از جمله تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها و فعالیت به عنوان خبرنگار و عکاس می‌پرداخت. سرانجام، بانو زهرا حداد عادل در ۹ اسفند ۱۴۰۴، در اولین روز حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران، در جنگ رمضان، در کنار رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) و جمعی دیگر از اعضای خانواده ایشان، شهید شد.

آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای پس از پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۷ برای تکمیل دروس حوزوی به قم که مرکز علوم اسلامی و حوزوی در ایران است، مشرف شد و تا اوایل سال ۱۳۷۳ در قم مستقر بود. وی در این سال به تهران مراجعت نمود و تحصیلات حوزوی را در آنجا پی گرفت. ایشان در کنار تحصیل، به صورت مستمر به تدریس نیز اشتغال داشت. در مدرسه آیت‌الله مجتهدی تهران، تدریس برخی از دروس مقدماتی حوزه را آغاز کرد و از سال ۱۳۷۳ به تدریس کتب مقدماتی در موضوع فقه و اصول اسلامی پرداخت. اما سال ۱۳۷۷، نقطه عطفی در زندگی او شد؛ سالی که در آن سید مجتبی با دختری از تبار پاکی و دانش، «بانو زهرا حداد عادل»، پیمان ازدواج بست. ثمره این پیوند، دو فرزند پسر به نام‌های محمدباقر و محمدامین و یک

دکتر غلامعلی حداد عادل، پدر همسر:

می‌توانیم به مجتبی بدهیم. شما با دخترت صحبت کن که خیال نکند می‌خواهد عروس رهبر شود! گمان نکند ما زندگی تجملاتی‌ای داریم. ما این جور زندگی می‌کنیم. شما نسبتاً زندگی خوبی دارید؛ خانه و وسایل کامل زندگی دارید. حالا دختر شما بخواهد وارد یک زندگی ساده مثل زندگی ما شود، برایش مشکل است. مجتبی هم روحانی است و درسش را در قم ادامه می‌دهد. همه اینها را به دخترت بگو تا بداند. همان روز این حرف‌های آقا را به دخترم منتقل کردم و او هم قبول کرد که با این شرایط زندگی کند.

بعد از جلسه اول خواستگاری، دخترم موافقت خودش را به من اعلام کرد و من هم چند روز بعد به دیدار آقا رفتم... آقا فرمود: شما و همسرتان هر دو استاد دانشگاهید. به همین خاطر وضع زندگی شما خوب است، ولی وضع زندگی ما این جور نیست. من اگر بخواهم تمام وسایل زندگی‌ام را روی هم بگذارم، غیر از کتاب‌هایم، یک وانت بار می‌شود. خانه ما هم کلا سه اتاق دارد؛ دو تا برای خانواده و یکی برای دیدارهای با مسئولان. من پول ندارم که برای پسرمان خانه بخرم. یک خانه دوطبقه اجاره کرده‌ایم که در یک طبقه پسر بزرگ‌ترم زندگی می‌کند و یک طبقه را هم



در مسیر اجتهاد

تحصیلات حوزوی) حضور فعال داشتند. وی که در سال ۱۳۶۷ تدریس خصوصی «رسائل» و «مکاسب» (از بالاترین دروس فقه و اصول) را در قم آغاز نموده بود، در سال ۱۳۸۲ بار دیگر تدریس «حلقات» را از سر گرفت و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به تدریس سطوح عالی، به‌ویژه «مکاسب»، در یکی از مدارس قم پرداخت. در سال ۱۳۸۶ محل تدریس ایشان به مدرسه فیضیه منتقل شد و در سال ۱۳۸۷ درس خارج خصوصی فقه (صلاة) را آغاز کرد. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۸۸، بنا به درخواست شاگردان سابق، درس خارج فقه به صورت عمومی آغاز شد و یک سال بعد، در سال ۱۳۸۹، تدریس خارج اصول ایشان نیز به‌صورت رسمی شروع گردید.

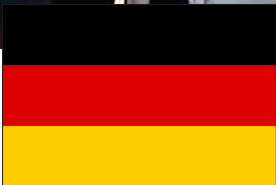
پس از ازدواج، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به همراه خانواده جهت تکمیل تحصیلات حوزوی و کسب فیوضات معنوی برای بار دوم به قم هجرت کرد. دروس سطوح عالی را از محضر حضرات آیات احمدی میانجی، رضا استادی، اوسطی و برخی دیگر از اساتید میرز قم بهره برد. دروس خارج فقه و اصول را از محضر والد شهیدشان آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) و علاوه بر ایشان از محضر حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی، سید محمود هاشمی شاهرودی، آقا مجتبی تهرانی، شیخ محمد مؤمن قمی، شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی و علامه مصباح یزدی استفاده کرد. ایشان بیش از ۱۷ سال به‌طور پیوسته در دروس خارج (عالی‌ترین سطح





عليه السلام

از قبار امام حسین



استفان شفر، محقق آلمانی:

قم و نجف قرار دارد. او با شاگردانش زیاد بحث می‌کرد و پرسش و پاسخ بخش اصلی کلاسش بود. بعد از درس هم با آن‌ها صمیمی صحبت می‌کرد و درباره مشکلات جامعه نظر می‌داد و به حرف‌هایشان گوش می‌داد. نوآوری در محتوا و شیوه تدریس - از جمله تسلط بر آرای پیشینیان، نقد مبانی، نظم منطقی در بیان، آزاداندیشی علمی و رعایت اخلاق و تواضع - موجب شد که درس خارج ایشان در قم به تدریج به یکی از پررونق‌ترین دروس حوزه تبدیل شود؛ به طوری که پیش از شیوع کرونا، حدود ۴۰۰ نفر در این درس شرکت می‌کردند.

در دوران کرونا، درس به صورت مجازی برگزار شد و پس از آن نیز به دلیل اقامت ایشان در تهران و محدودیت

به دنبال یک نشانه، از مدرسه فیضیه و دارالشفای مدرسه آیت‌الله گلپایگانی رفتم و به نامی رسیدم که سال‌ها پیش در آلمان فقط تصویر بی‌صدای او را در رسانه‌ها دیده بودم: سید مجتبی خامنه‌ای. برای شناخت واقعی او باید به کلاس درسش رفت، نه مشاهده آنچه در رسانه‌ها نشان می‌دهند. در حسینه‌ای در خیابان شهدای قم، بیش از ۲۰۰ طلبه دور او جمع شده بودند. او درباره مسائلی که به رابطه دین و اداره جامعه مربوط می‌شد، صحبت می‌کرد. او دیدگاه‌های قدیمی و جدید را با هم ترکیب می‌کرد. نظرات پیچیده فقیهان گذشته را با نظرهای فقیهان امروزی کنار هم می‌گذاشت تا برای مسائل جدید پاسخ پیدا کند. در روش تدریس او نوعی نوآوری دیده می‌شد که میان سبک حوزه



رفت و آمد به قم، این روند ادامه یافت. پس از کرونا، در نخستین جلسه درس خارج ایشان در آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲، بیش از ۷۰۰ طلبه حضور داشتند. با این حال، ایشان به طور ناگهانی خبر تعطیلی درس را اعلام کرد و از شاگردان حلالیت طلبید. این تصمیم موجب شگفتی گسترده شد. پس از آن، حدود ۱۰۰۰ نفر از طلاب و استادان حوزه قم در نامه‌ای خواستار از سرگیری درس شدند و برخی از بزرگان نیز به صورت شفاهی همین درخواست را مطرح کردند. با این حال، ایشان در دیداری خصوصی با جمعی از شاگردان قدیمی، علت این تصمیم را امری معنوی و غیرقابل بیان دانست. در ادامه، با توصیه پدر شهیدشان درباره نگارش حاشیه بر «عروه»، آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای پس از مدتی فعالیت علمی خود را بر همین محور و نیز بازنویسی مباحث فقهی و اصولی متمرکز ساخت؛ روندی که همچنان ادامه دارد.





رهبر معظم انقلاب اسلامی سید مجتبی حسینی خامنه‌ای؛ شکل‌گیری رهبری در تلاقی فقه و دولت



به قلم: دکتر هناء سعادة - الجزایر

لحظات سرنوشت‌ساز، رهبران را به‌صورت تصادفی پدید نمی‌آورند و در نظام‌های پیچیده، کلیدهای اداره دولت تنها به کسانی سپرده می‌شود که مسیر آنان با ساختار عمیق آن نظام درهم‌تنیده شده باشد. از این منظر، صعود آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به جایگاه رهبری را می‌توان نتیجه‌ای منطقی از مسیری تدریجی و انباشتی دانست که در نقطه تلاقی دانش دقیق حوزوی و تجربه میدانی در اداره امور کشور شکل گرفته است؛ نه واکنشی مقطعی به خلأیی ناگهانی، بلکه امتداد منطقی ساختار دولتی که در میانه طوفان‌های سیاسی و امنیتی منطقه، انسجام خود را حفظ کرده است.

نسبت به ماهیت قدرت در ایران است؛ قدرتی که نه صرفاً در جایگاه‌های رسمی، بلکه در شبکه‌ای پیچیده از روابط نهادی توزیع شده است.

در مقطع پس از شهادت سید علی خامنه‌ای، انتقال رهبری نه به‌عنوان گسست، بلکه به‌مثابه مرحله‌ای از بازتنظیم در ساختار دولتی تلقی شد که توانسته است شوک‌های بزرگ را بدون از دست دادن انسجام داخلی خود پشت سر بگذارد. نشانه‌های روشنی از استمرار نظم نهادی، انسجام ساختار سیاسی و افزایش سطح همبستگی مردمی با دولت در برابر تشدید تجاوزات صهیونیستی - آمریکایی مشاهده شد؛ تجاوزاتی که به‌طور هم‌زمان زیرساخت‌های امنیتی، اقتصادی و روانی نظام را هدف قرار داده بودند.

در این چارچوب، مسئله تداوم و استمرار به معیار اصلی در ساختار کشور تبدیل شد؛ جایی که ضرورت حفظ انسجام نظام با پویایی بسیج اجتماعی گسترده در کشور درهم آمیخت. صحنه‌های روزانه در شهرهای مختلف ایران، حضور گسترده مردمی در راهپیمایی‌ها و تجمعات حمایتی از رهبری را نشان می‌داد؛ حضوری که بیانگر سطح بالایی از همبستگی اجتماعی پیرامون دولت و نهادهای آن، علی‌رغم افزایش فشارها و تجاوزات چندلایه آمریکایی - صهیونیستی بود.

این حضور مردمی صرفاً واکنشی مقطعی نبود، بلکه بازتاب ساختار انباشته‌ای از وفاداری سیاسی - اجتماعی به شمار می‌رفت که در لحظات بحران، خود را بازتولید کرده و فضای عمومی را از عرصه شکاف و اختلاف، به صحنه‌ای برای تأکید بر انسجام داخلی تبدیل می‌کند. در همین راستا، تعامل افکار عمومی با روند رهبری جدید، ادامه همان وضعیت بسیج ملی تلقی شد که استمرار و ثبات کشور را بر هر ملاحظه دیگری مقدم می‌داند.

از این‌رو، معیار اصلی این مقطع تنها به توازن‌های نخبگان سیاسی محدود نماند، بلکه به توانایی دولت در حفظ پیوندی ارگانیک با جامعه خود، حتی در اوج رویارویی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی وابسته شد؛ جایی که فشارهای خارجی به‌جای آن‌که عامل فروپاشی باشند، به عنصری برای تقویت وحدت داخلی تبدیل شدند

در ساختار ایران، که مشروعیت آن بر پیوند میان مرجعیت دینی و توانایی سیاسی استوار است، تربیت فقهی معنایی فراتر از حدود معرفتی خود می‌یابد و به ابزاری برای هدایت راهبردی بدل می‌شود. آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای نیز این مسیر را در حوزه علمیه قم پیموده و ابزارهای اجتهاد در فقه و اصول را فراگرفته است؛ امری که او را برای درک پیچیدگی‌های نظام مبتنی بر ولایت فقیه آماده ساخته؛ نه صرفاً به‌عنوان متنی بنیان‌گذار، بلکه به‌مثابه سازوکار روزمره اداره کشور و عرصه‌ای برای اتخاذ تصمیمات حاکمیتی در برابر فشارهای فزاینده خارجی.

با این حال، ارزش این بنیان علمی زمانی کامل می‌شود که در میدان عمل آزموده شود. در همین چارچوب، تجربه او در سال‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق به‌عنوان مرحله‌ای بنیادین مطرح می‌شود که آگاهی نسل کاملی را نسبت به ماهیت دولت و حدود قدرت بازتعریف کرد؛ دوره‌ای که در آن مفاهیم «دفاع مقدس» به چارچوب حاکم بر رابطه میان جامعه و دولت تبدیل شد. از دل همین تجربه، رویکردی شکل گرفت که میان امنیت و حاکمیت ملی جدایی قائل نیست و تقابل را صرفاً در بُعد نظامی خلاصه نمی‌کند، بلکه آن را منظومه‌ای پیچیده از فشارهای نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای به‌صورت هم‌زمان می‌داند.

با ورود او به سطوح تصمیم‌گیری، شخصیتی شکل گرفت که به فعالیت آرام و مؤثر در درون ساختار نهادی گرایش داشت؛ جایی که مدیریت توازن‌های داخلی، نیازمند دقت در تحلیل و قاطعیت در ارزیابی است. حضور او بیش از آن‌که پرهیاهو باشد، در شکل‌دهی به تفاهمات و تنظیم روابط میان مراکز مختلف تأثیرگذار، نقشی فعال ایفا کرده است. این شیوه عمل که میان احتیاط و انضباط جمع می‌کند، بازتابی از درک او



می‌کنند. اهل حوزه و کسانی که با این فضا آشنا هستند می‌دانند که نگارش حاشیه بر «عروه» در حکم گام نهایی در مسیر مرجعیت و به معنای ورود به آخرین مرحله‌ی پژوهش فقهی تلقی می‌شود. این امر همچنین نشان‌دهنده‌ی تسلط و جامعیت در ابواب گوناگون فقه است؛ زیرا «عروه» مشتمل

علی مصباح یزدی: از جمله شواهدی که قوت علمی ایشان در فقه را نشان می‌دهد، توصیه‌ای است که رهبر شهید به ایشان داشتند مبنی بر نگارش حاشیه بر کتاب «عروة الوثقی»؛ کتاب مرجع فقهی شیعه که طلاب برای یادگیری احکام عملی و دستیابی به اجتهاد آن را به‌دقت مطالعه

هنگامی که به دیدار بزرگان اهل معنا می‌رفتیم، برای مثال مرحوم آیت‌الله بهاء‌الدینی، با آنکه ما چهار فرزند پسر بودیم، این بزرگان درباره‌ی حاج‌آقا مجتبی به پدر ما توصیه‌های مؤکدی داشتند. به نظر می‌رسد آنان از همان زمان نشانه‌هایی در ایشان مشاهده می‌کردند و به قابلیت‌هایی پی می‌بردند که سبب می‌شد به پدرشان سفارش کنند توجه و عنایت بیشتری نسبت به ایشان داشته باشند. حتی یکی از دوستان نقل می‌کرد که عالمی در مجلسی که حضرت آقا و حاج‌آقا سید مجتبی نیز حضور داشتند، پس از آن گفته بود که در ایشان توانایی‌هایی نهفته است که هنوز آشکار نشده و در آینده ظهور خواهد یافت.

هدایت یک جامعه‌ی اسلامی تنها به معنای راهبری در حوزه‌های مادی نیست. در بسیاری از نظام‌های سیاسی، حاکم که عالی‌ترین مقام سیاسی است، وظیفه‌ی خود را عمدتاً در هدایت مادی جامعه می‌بیند؛ بدین معنا که سامان‌بخشی و پاسداری از امور اقتصادی، معیشتی، سیاسی و امنیتی را بر عهده دارد و غایت کار نیز غالباً در همین حدود تعریف می‌شود.

اما در نگاه اسلام، اصل شکل‌گیری جامعه، دولت و حاکمیت، وسیله‌ای برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال حقیقی و معنوی آنان است. بر این اساس، زندگی مادی مردم، حتی در عرصه‌ی اجتماعی، مقدمه و ابزاری تلقی می‌شود تا انسان بتواند مسیر تقرب به خدای متعال را با سهولت و استواری بیشتری پیماید.

از این رو، کسی که عهده‌دار هدایت جامعه و سکان‌داری این کشتی می‌شود، باید پیش از هر چیز با این غایت آشنا باشد و توانایی هدایت جامعه را در ابعاد روحی، اخلاقی، معنوی و فرهنگی نیز دارا باشد. در غیر این صورت، اگر خود از چنین ویژگی‌هایی بی‌بهره باشد، جامعه را عملاً به سوی همان اهداف صرفاً مادی سوق خواهد داد؛ حال آنکه مقصود از تأسیس جامعه‌ی اسلامی منحصر در این امور نیست.

ساده‌زیستی و مردم‌داری

در روایت‌های مربوط به زندگی شخصی آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، یکی از ویژگی‌هایی که بارها از سوی شاگردان و نزدیکان او مورد تأکید قرار گرفته، شیوه زندگی ساده و دوری از تشریفات است. او در خانواده‌ای روحانی رشد یافت که از پیش از انقلاب ۱۳۵۷ با نوعی سبک زندگی بدون تجمل شناخته می‌شد؛ فضایی که در آن، قناعت و پرهیز از

بر بخش قابل‌توجهی از مباحث و ابواب فقهی است و اظهار نظر در همه‌ی این حوزه‌ها، همراه با نقد دیدگاه‌های دیگران و ارائه‌ی نظر اجتهادی، مستلزم احاطه‌ی علمی بر مجموعه‌ی این مباحث است.

در محفل عرشیان

آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای از همان آغاز تحصیلات حوزوی، یکسره خوشه‌چین معرفت اهل معنا بود. او خوشه‌چین عرفایی همچون آیت‌الله بهاء‌الدینی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله کشمیری، آیت‌الله ناصری دولت‌آبادی، آیت‌الله سعادت‌پور و شخصیت‌های فراوان دیگر بود. این ارتباطات، از او شخصیتی ساخت که در عین حضور در متن اجتماع، روحی آرام و چشمانی رو به آسمان داشت. او میان مراجع عظام و پیران طریقت پل می‌زد تا دغدغه‌های معنوی آنان را در زندگی خود و کار و تدبیر امور جاری کند. ناگفته‌های فراوانی از تأییدات معنوی این بزرگان درباره ایشان در نزد اهل معنا محفوظ است.

مهدی مشکى، دوست و هم‌درس: آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، همانند دیگر فرزندان حضرت آقا و نیز خود ایشان، به مباحث معنوی، اخلاقی و عرفانی علاقه‌ای جدی داشتند. برای نمونه، هرگاه خبر می‌رسید که در شهری دورافتاده فردی صاحب حال و معنا حضور دارد یا مباحثی مطرح می‌شود که می‌تواند راهگشا باشد، بی‌درنگ در پی آن می‌رفتند و می‌کوشیدند تا آن اندیشه‌ها و تجربه‌ها را بیابند و تا حد امکان از آن بهره‌مند شوند. بخش مهمی از سیره‌ی ایشان نیز در همین چارچوب قابل فهم است؛ بدین معنا که ایشان از سال‌های آغازین طلبگی با اهل معنا، چه آنان که شناخته‌شده بودند و چه کسانی که چندان شهرتی نداشتند، ارتباطی پیوسته برقرار می‌کردند و از محضر آنان بهره می‌گرفتند. ویژگی صیانت نفس در ایشان، و نیز توانایی در مدیریت درونی و مهار خواهش‌ها و تمایلات نفسانی در عرصه‌های گوناگون، تا حد زیادی حاصل همین ارتباط‌ها و مصاحبت‌ها با اهل معنا بود. در برخی مباحث جدید نیز گفته می‌شود که مطالعه‌ی آثار یک عالم بی‌تردید اثرگذار است، اما برقراری نوعی ارتباط وجودی با او اثری عمیق‌تر و مضاعف دارد. ایشان نیز می‌کوشیدند چنین ارتباطی برقرار کنند؛ یعنی در محضر آن بزرگان حاضر شوند و از حضور و هدایت آنان بهره‌مند گردند.

از منابع موثق، از جمله از فرزند بزرگ رهبر شهید، شنیدم

معظم انقلاب هستند و مستأجر آقای فلانی!» من از تعجب انگشت به دهان ماندم.

تواضع و مردم‌داری آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در همان نخستین پیام ایشان به عنوان رهبر ایران، به‌روشنی نمایان است؛ ایشان نه تنها خود را در حد «رهبر شهید» ندانستند، بلکه بر نقش اساسی مردم تأکید کردند. در این بیان، ایشان با نگاهی فروتنانه، جایگاه حقیقی قدرت را به ملت نسبت دادند. در بخشی از پیام نوروزی خود نیز ابراز کردند که چگونه از نزدیک و در تاکسی با مردم معاشرت داشته‌اند تا دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و نگاه‌های ایشان را به‌خوبی لمس کنند.

شجاعت

شجاعت، به‌ویژه با توجه به جایگاه ایران در نظم و بی‌نظمی کنونی جهانی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کسی باید باشد که مسئولیت سنگین رهبری نظام اسلامی را بر عهده می‌گیرد. در روایت‌هایی که از نزدیکان و شاگردان آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای نقل می‌شود، از بی‌باکی و آمادگی وی برای ورود به موقعیت‌های دشوار یاد می‌شود. بخشی از این تصویر به سال‌های جوانی او بازمی‌گردد؛ زمانی که به جمع رزمندگان جهاد با دشمنان پیوست و در عملیات‌های گوناگون جنگی تجربه‌هایی اندوخت. با وجود تهدیدات متعدد و خطراتی که جان رهبر شهید را هدف گرفته بود، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای هیچ هراسی به دل راه نداد و همواره با آرامش و توکل به خدا و همراه با خانواده‌اش در کنار پدر و مادرش ایستاد و در این راه همسرش را از دست داد و خود نیز مجروح شد. اوج این شجاعت را می‌توان در پذیرش مسئولیت رهبری در شرایطی دید که دشمنان به طور رسمی و پیوسته در تکاپو برای سوء قصد به جان رهبر جدید ایران بوده و هستند.

مهدی مشکی، دوست و هم‌درس: تأسی ایشان به پدر بزرگوارشان مشهود است؛ با وجود خطری که از مدت‌ها قبل تهدید می‌کرد، ایشان بیت حضرت آقا یا بیت خودشان را ترک نکردند و در صحنه حاضر بودند و با خانواده در دل این خطر ماندند. ایشان هر روز به قم می‌آمد و برمی‌گشت؛ با یک ماشین معمولی. هیچ‌گاه حاضر نشدند از حفاظت‌های عجیب و غریب یا ماشین‌های لوکس و گران‌قیمت استفاده کنند. خیلی معمولی هر روز می‌آیند، در حالی که تهدید هم می‌شدند؛ اما انگار نه انگار که اتفاقی افتاده است. این‌ها نشان‌دهنده شجاعت ایشان است که در آینده بیشتر ظهور و بروز خواهد کرد.

مصرف‌گرایی نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه بخشی از تجربه روزمره زندگی بود. چنین زمینه‌ای در سال‌های بعد نیز در زندگی شخصی و پس از ازدواج و در زندگی مشترک با همسر و فرزندان‌شان نیز ادامه یافت.

ساده‌زیستی آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای امتداد طبیعی الگویی دانسته می‌شود که در خانه پدری با آن پرورش یافت. در خاطرات پسر از پدر و البته بسیاری از نزدیکان دیگر، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای شخصیتی معرفی می‌شود که کوشیده است زندگی شخصی‌اش از زرق و برق و تجمل دور بماند؛ تا جایی که سال‌ها استفاده از وسایل بسیار ساده و حتی قدیمی در خانه او ادامه داشته و خانواده نیز در همین چارچوب زندگی کرده‌اند. در این روایت‌ها از اجاق‌گاز ساده و قدیمی، تلویزیونی که سال‌ها بدون تغییر باقی مانده بودند، صندلی‌های پلاستیکی معمولی برای استفاده روزمره یاد می‌شود. این فضایی بود که سید مجتبی خامنه‌ای در آن رشد کرد و همین نگاه به سادگی در معیشت و پرهیز از تجمل را در زندگی شخصی خود الگو قرار داد.

آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای با وجود جایگاه اجتماعی و سیاسی خود، در برخورد با نزدیکان و مردم عادی زیست و رفتاری همراه با تواضع، صمیمیت، سادگی و همدلی داشته‌اند. شاگردان از تواضع علمی ایشان سخن گفته‌اند، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی به بی‌تکلفی ایشان در تشریفات رسمی اشاره کرده‌اند و مردم عادی که معمولاً ایشان را نمی‌شناخته‌اند، از تجربه‌های شیرین برخورد با یک روحانی سید مردم‌دار حکایت کرده‌اند.

یکی از همسایگان آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای: در خیابان صفائیه قم تقریباً در یک محل زندگی می‌کردیم. هر روز سیدی متواضع و مؤدب را زیارت می‌کردم که با چهره‌ای ملیح و خندان پاسخگوی سلام ما بود و گاهی احوال‌پرسی گرمی می‌نمود؛ این در حالی بود که ما اصلاً نمی‌دانستیم ایشان فرزند رهبر معظم انقلاب هستند. ایشان مانند یک شهروند عادی معمولاً نمازهای یومیه خود را در مسجد رفعت (خیابان صفائیه) اقامه می‌نمود، به امام‌جماعت مسجد اقتدا می‌کرد و گاهی تا آخرین نفرات در مسجد حضور داشت. گاری میوه‌فروشی‌ای سرک‌کوچه سپاه (خیابان صفائیه) کنار دکه روزنامه‌فروشی بود که معمولاً یک نوع میوه می‌آورد و یک مشتری ثابت داشت؛ آن هم آقا سید مجتبی بود. یک روز وارد سوپرمارکت در محل شدم و دیدم ایشان در حال خرید هستند. بعد از اینکه خریدشان تمام شد، فروشنده گفت: «آقا سید را شناختی؟» گفتم: «نه!» گفت: «ایشان فرزند آقا، رهبر



حدیث گمنامی

شهرت‌گریزی شهره بود. گذشته از اینکه در پرتو خورشید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) افراد اطرافشان دیگر کمتر دیده می‌شدند، ولی گمنامی و ناشناخته ماندن شرایط و ویژگی‌های آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای یک گمنامی

در زمانه‌ای که همه چیز در خدمت اراده قدرت تعریف می‌شود، آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای نور معرفت را در پرتو گمنامی می‌جست و برخلاف بازنمایی‌های وارونه رسانه‌های دشمن، از رقابت کسب جاه و مقام پرهیز داشت و به

خودخواسته بود.

مجتبی مصباح یزدی از دوستان ایشان: سعی می‌کردند بین جمعیت خودشان را گم نکنند یا در ردیف‌های آخر جمعیت می‌نشستند و بین جمعیت قرار می‌گرفتند. شما در این دیدارهایی که حضرت آقا داشتند، چند بار فرزندان ایشان را دیدید؟ کجا دیدید که این‌ها بنشینند؟ مثلاً صندلی بگذارند کنار آقا بنشینند؟ حتی در آن ردیف اول، آنجایی که شخصیت‌ها می‌نشینند، هم نمی‌نشستند. اصلاً کسی ذهنیتی از چهره‌ی فرزندان عزیز آقا ندارد. همین الان هم به بسیاری از مردم آقا مجتبی یا آقا مصطفی یا آقا میثم یا آقا مسعود را بگوئی، کسی نمی‌داند چه شکلی هستند. یعنی سعی می‌کردند آنجایی هم که لازم است شرکت بکنند، به‌صورت گمنام و در میان مردم باشند و خودشان را چیزی به حساب نمی‌آوردند. فردی به رهبری جامعه اسلامی برگزیده شد که با وجود آنکه فرزند بالاترین مقام سیاسی کشور بودند، اطلاعات اندکی از ایشان در میان دوست و دشمن وجود داشت؛ امری که بیش از هر چیز، نشان‌دهنده رویکرد معنوی، پرهیز از شهرت‌طلبی و بی‌اعتنایی ایشان به مظاهر دنیوی است. بدیهی است که اگر ایشان اراده می‌کردند یا مانعی در این مسیر ایجاد نمی‌شد، امکان مطرح شدن گسترده و شناخته شدن در سطح کشور به‌سادگی برایشان فراهم بود، اما انتخاب آگاهانه‌ی ایشان بر دوری از دیده‌شدن و تمرکز بر مسئولیت، موجب چنین وضعیتی شده است.

مجید تلخابی، عضو مجلس خبرگان رهبری: آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در روزهایی که نمایندگان خبرگان با رهبر انقلاب دیدار داشتند از خانه خارج نمی‌شدند که مبادا با نمایندگان خبرگان روبه‌رو شوند. آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای تمام تلاش خود را کردند که ذره‌ای برای رهبری در نظر گرفته نشوند و فقط زمانی این مسئولیت را پذیرفتند که از سوی خبرگان به ایشان تکلیف شد.

آشنایی نزدیک با مسائل کلان کشور

با توجه به حساسیت امام شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) مبنی بر عدم حضور فرزندان در مناصب بالای حاکمیتی و همچنین رویه آقا سید مجتبی در گمنامی، نباید انتظار داشت که ایشان در دوران حیات رهبر شهید مسئولیت‌های رسمی‌ای همچون وزارت، ریاست‌جمهوری یا دیگر مناصب عالی اجرایی را بر عهده داشته باشند؛ با این حال، ایشان به‌عنوان مشاور امین پدر و بازویی توانمند

برای نظام، در عرصه‌های گوناگون نقش‌آفرین بوده‌اند. تعامل مستمر و مشورتی با فرماندهان نیروهای مسلح و ارتباط مؤثر با جبهه مقاومت، پیگیری مسائل راهبردی و برگزاری نشست‌های تخصصی با کارشناسان برای تبیین سیاست‌های کلان، شناسایی و حمایت از استعدادهای برتر و تقویت مراکز علمی، همچنین پشتیبانی از فعالیت‌های صنعتی و توسعه زیست‌بوم شرکت‌های دانش‌بنیان و هدایت برخی مؤسسات علمی و حوزوی، از جمله این فعالیت‌ها به شمار می‌رود. افزون بر این، مدیریت مجموعه‌ای گسترده برای رسیدگی به بیش از یکصد هزار مستمند، بُعدی اجتماعی و مردمی به کارنامه ایشان بخشیده است.

مقدمی شهیدانی از شاگردان ایشان: در زمینه‌ی هنر و رسانه نیز ایشان صاحب‌نظر هستند. ایشان مانند پدرشان در این زمینه‌ها عمیق هستند. با مسائل فرهنگ و راه‌های علاج در حوزه رسانه کاملاً آشنایند؛ حتی فراتر از آشنایی، نگاهی عمیق دارند. اینجا یکی از جاهایی است که احتمالاً همگان با شگفتی مواجه خواهند شد. ایشان با متخصصان رشته‌های گوناگون جلسات متعددی داشته‌اند و گروه‌های نخبگانی مختلفی را دیده‌اند.

مجموع این مسئولیت‌ها، تصویری از تجربه‌ای گسترده و چندوجهی را ارائه می‌دهد که هم در عرصه سیاست‌گذاری کلان و گره‌گشایی‌های حکمرانی و هم در حوزه مدیریت اجرایی و پیگیری امور، تبلور یافته است. اشراف ایشان به امور اجرایی کشور و ارتباط نزدیک با کارگزاران ارشد نظام در دوره‌های مختلف، در کنار برگزاری جلسات کاری متعدد، سرمایه‌ای ارزشمند از تجربه و شناخت فراهم آورده است. این تجربه با مطالعات گسترده در حوزه‌های متنوع دانشی و نشست‌های مستمر با نخبگان تکمیل شده و به دستیابی به راهکارهای بنیادین در مسائل مختلف حکمرانی، از ثبات اقتصادی و کنترل قیمت کالاهای اساسی گرفته تا توسعه مسکن ارزان و مدرن، تحول در کشاورزی و دامداری و پیشبرد پروژه‌های کلان دانش‌بنیان، انجامیده است.

علی مصباح یزدی: آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در طول ۲۰-۳۰ سال گذشته از طرف رهبر شهید مأموریت‌های بزرگی به عهده داشتند؛ در مسائل هماهنگی بین قوا، در مسئله سامان‌دهی به نیروهای انقلاب، در ارتباط با مسائل مربوط به جبهه مقاومت و حتی در کلان‌پروژه‌های بزرگ علمی و استراتژیک کشور. البته همه این‌ها در هاله‌ای از گمنامی دنبال می‌شده که هم این کارها مزاحمتی برایش ایجاد نشود و موانعی برایش تراشیده نشود، و هم اینکه خود حضرت



آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای تمایلی به رسانه‌ای کردن نداشتند.

تسلط بر مسائل نظامی

اشراف و تجربه‌ی میدانی آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در حوزه مسائل نظامی، از مؤلفه‌های برجسته شخصیتی و مدیریتی ایشان به شمار می‌رود. در پی حضور در میدان‌های جنگ ایران و عراق و در کنار رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ایشان ارتباطی پیوسته و نزدیک با فرماندهان نظامی ایران داشتند و شناختی عمیق، عینی و چندلایه از ساختار دفاعی کشور و پیچیدگی‌های میدان نبرد یافتند. هم‌سویی فکری و ارتباط نزدیک با بسیاری از فرماندهان ارشد سپاه، به تقویت یک فهم مشترک راهبردی با ایشان انجامیده که در تصمیم‌سازی‌های کلان امنیتی نقش‌آفرین است. در شرایطی که تهدیدها و فشارهای مستمر از سوی قدرت‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد، چنین تسلطی بر جزئیات و کلیات حوزه نظامی، زمینه‌ساز اتخاذ رویکردهای دقیق، بازدارنده و آینده‌نگر در حفظ امنیت و منافع ملت مسلمان ایران و منطقه خواهد بود.

مجتبی مصباح یزدی: در مسائل امنیتی و راهبردهای نظامی؛ در بحث هوافضا و صنایع موشکی، بحمدالله دست برتر را داریم. این پیشرفت از حدود بیست یا سی سال پیش شروع شده و راهبری و تدبیر مقام معظم رهبری بوده که شخصاً به مسائل امنیتی و نظامی اشراف داشتند. آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای هم سالیان سال از نزدیک با این امور و مراکز آشنایی و مراوده داشتند؛ در مسائل نظامی، در حوزه بین‌الملل، با نیروهای مقاومت، با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و با سید حسن نصرالله

اصلی این فرایند «مجلس خبرگان رهبری» است که وظیفه شناسایی، بررسی و انتخاب رهبر را بر عهده دارد. به محض آنکه منصب رهبری به دلیل وفات، شهادت یا عزل رهبر خالی شود، کشور وارد یک وضعیت انتقالی می‌شود. هم‌زمان با آغاز این دوره انتقالی، مجلس خبرگان رهبری که اعضای آن برای یک دوره ۸ ساله از پیش توسط مردم انتخاب شده‌اند، به سرعت تشکیل جلسه می‌دهد. این مجلس از فقها و مجتهدان تشکیل شده و از پیش نیز کمیسیون‌هایی برای شناسایی و ارزیابی افراد واجد شرایط رهبری دارد. بنابراین، فرایند بررسی معمولاً از قبل به صورت مستمر در حال انجام است و صرفاً محدود به زمان خالی شدن این منصب نیست. اعضای مجلس خبرگان در جلسات خود، افرادی را که دارای شرایط رهبری هستند مورد بررسی قرار می‌دهند. این شرایط در قانون اساسی مشخص شده و شامل فقاقت (توانایی استنباط احکام دینی)، عدالت، تقوا، بینش سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت و توانایی مدیریت کلان کشور است. همچنین در صورت وجود چند فرد واجد شرایط، معیارهایی مانند اعلیت فقهی یا توانایی بیشتر در اداره امور کشور در تصمیم‌گیری مؤثر خواهد بود.

پس از بحث و بررسی، مجلس خبرگان به صورت رسمی وارد رأی‌گیری می‌شود. برای رسمیت یافتن جلسه انتخاب رهبر، حداقل دو سوم اعضای مجلس خبرگان باید حاضر باشند. انتخاب رهبر از طریق رأی‌گیری مستقیم اعضای خبرگان انجام می‌شود. فردی که قرار است رهبر شود، باید اکثریت مطلق آرا یعنی بیش از نصف آرای حاضر در جلسه را کسب کند تا به رهبری برگزیده شود.

در پی حملات وحشیانه آمریکایی‌صهیونیستی در ۹ اسفند ۱۴۰۴ که به شهادت رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) انجامید، امت اسلامی در اندوهی عمیق فرو رفت. در حالی که ملت ایران یاد و راه رهبر فقید خود را با صلابت و انسجامی مثال‌زدنی گرامی می‌داشت، مجلس خبرگان رهبری، در کوتاه‌ترین زمان ممکن تشکیل جلسه داد و با بررسی شرایط و مصالح عالیه نظام اسلامی، سرانجام در ۱۷ اسفند ۱۴۰۴، هم‌زمان با شب نوزدهم ماه مبارک رمضان و شب قدر، با اکثریت آرا، آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای را به عنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران برگزید.

بیانیه خبرگان رهبری: مجلس خبرگان رهبری با ارج نهادن به جایگاه والای ولایت فقیه در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اهمیت مسئله رهبری در

(رضوان الله علیه) مراوده داشتند و از نزدیک نقشه‌های عملیاتی و برنامه‌های نظامی ما را پیگیری می‌کردند. این آشنایی در کنار آن حوزه علمی و فقهاتی است که به عنوان یک فقیه دنبال کرده‌اند.

پرهیز از وابستگی‌های سیاسی و مالی

آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای از استقلال کم‌نظیر در برابر کانون‌های قدرت و ثروت برخوردار است؛ ویژگی‌ای که ریشه در رویکرد تربیتی پدر شهیدشان دارد که همواره فرزندان خود را از ورود به فعالیت‌های اقتصادی باز می‌داشتند تا از هرگونه وابستگی مصون بمانند. چنین وابستگی‌هایی، افزون بر ملاحظات شرعی، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری توقعات و تأثیرپذیری در تصمیم‌گیری‌ها شود و استقلال رأی را مخدوش سازد. در مقابل، پرهیز از ارتباط با مراکز ثروت و جریان‌های سیاسی، برای ایشان جایگاهی مستقل و غیر وامدار فراهم کرده است؛ جایگاهی که امکان تصمیم‌گیری عادلانه و فارغ از ملاحظات بیرونی را تقویت می‌کند.

محمد حقانی: آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای از نظر مالی بسیار مراقب و دقیق هستند. اگر در جلسات ناهار داده می‌شد، هزینه آن را شخصاً و بدون استثنا به دفتر پرداخت می‌کردند. ایشان به طور گسترده‌ای به فقر رسیدگی می‌کردند؛ امری که بدون ادعا، بدون جنبه‌های نمایشی و بدون ایجاد سرو صدا انجام می‌شد. در منطقه‌ای محروم در تهران به نام دروازه‌غار، که اینجانب در آنجا خدمت می‌کردم، ایشان پس از مدتی شخصاً ورود پیدا کردند و حتی همسر خود را نیز برای پیگیری امور اعزام می‌کردند و نسبت به وضعیت آن منطقه دغدغه‌مند بودند. همچنین وجوهی که در این مسیر هزینه می‌شد، با اذن مقام معظم رهبری صورت می‌گرفت. به یاد دارم در مورد مبلغی که قصد داشتند برای فقرای آن منطقه اختصاص دهند، پس از تعیین میزان، تصریح کردند که ابتدا اجازه آقا را اخذ و سپس اقدام کنند. تعبدشان نسبت به آقا، به خصوص در زمینه مالی، بسیار جدی بود و هیچ دخالتی در امور مالی بدون اجازه از آقا نمی‌کردند.

روایت رهبری

در نظام جمهوری اسلامی ایران، تعیین رهبر جدید پس از وفات یا شهادت رهبر پیشین، بر اساس سازوکارهای مشخصی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده انجام می‌شود. محور



ظرفیت اصل ۱۰۸ قانون اساسی، مطابق وظیفه شرعی و اعتقاد به حضور در محضر خداوند متعال، در اجلاسیه فوق العاده امروز آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (حفظه الله) را بر اساس رأی قاطع نمایندگان محترم مجلس خبرگان رهبری

نظام جمهوری اسلامی، ۴۷ سال حکمرانی حکیمانه و مبتنی بر اصل عزت، استقلال و اقتدار امامین انقلاب را پاس می دارد و ضمن گرامیداشت یاد آن رهبران الهی و مردمی اعلام می دارد این مجلس پس از بررسی های دقیق و گسترده و استفاده از



مختلفی تأثیر داشت. اولین نکته این بود که در دوره‌ای که حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به رهبری منصوب شدند، ایشان در موقعیتی قرار داشتند که یک چهره شناخته‌شده در عرصه‌های مختلف بودند. از قبل از انقلاب ایشان شناخته شده بودند و بعد هم در دوران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در منصب‌های مختلف، به‌خصوص در جایگاه ریاست جمهوری. بنابراین یک شناخت جامع تقریباً از مقام معظم رهبری در مجلس خبرگان وجود داشت و با توجه به مجموعه ویژگی‌های مقام معظم رهبری، بدیلی وجود نداشت. تقریباً همه قرائن و شواهد نشان می‌داد که فرد اصلح ایشان هستند.

به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تعیین و معرفی می‌نماید. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت کامل آیت‌الله محمود رجبی، عضو هیئت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری از فرایند انتخاب سومین رهبر جدید نظام جمهوری اسلامی ایران است: فرایند انتخاب رهبر از همان روزهای آغازین که خبر شهادت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای منتشر شد، مطرح بود. اما تا اعلام انتخاب رهبر جدید، چندین روز فاصله افتاد. پرسش این است که چرا این روند به طول انجامید و در این مدت چه اتفاقی رخ داد؟ جواب. در طول کشیدن این مرحله تعیین رهبری عوامل

جواب: بله. ما برای جلسه هیئت‌رئیس دعوت شدیم. رفتیم و نشستیم و صحبت را شروع کردیم که ناگهان اعلام شد وضعیت قرمز است و باید سریع محل را ترک کنیم. رفتیم بیرون و قرار شد پس از مدت کوتاهی برمی‌گردیم. حدود دو یا سه ساعت بعد دوباره برگشتیم و جلسه ادامه پیدا کرد. بحث شد که با توجه به شرایط جنگی، اجلاس به چگونه برگزار شود. درحالی‌که در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری اجلاس به خبرگان بودیم مجدداً اعلام وضعیت قرمز شد.

اساساً به دلیل شرایط جنگی و تهدیدات بالفعل دشمن علیه اعضای خبرگان رهبری و جلسات آن، تشکیل جلسات هیئت‌رئیس دشوار بود. دشمن به روشنی تصمیم گرفته بود به هیچ عنوان اجازه تشکیل جلسه انتخاب رهبر را ندهد. دسترسی به اعضا هم سخت بود؛ چون هر کدام تیم حفاظتی داشتند و در نقاط مختلف شهر مستقر بودند تا شناخته نشوند. جمع شدن همه این افراد کار ساده‌ای نبود.

در مرحله اول هیئت‌رئیس باید تصمیم می‌گرفت که اصلاً اجلاس به حضوری برگزار شود یا غیرحضوری. به دلیل همین دشواری‌ها، یک بار تصمیم گرفته شد اجلاس به غیرحضوری برگزار شود؛ یعنی بدون تشکیل جلسه رسمی، رأی‌گیری انجام گیرد. مسئولان امنیتی می‌گفتند تضمین امنیت حضور بیش از ۸۰ نفر از خبرگان در یک مکان بسیار دشوار است. این افراد هم چهره‌های شناخته‌شده‌ای بودند؛ امام جمعه شهرها یا نمایندگان رهبری و دیگر چهره‌های مشهور. بنابراین خود تشکیل اجلاس به هم با مشکل روبه‌رو بود.

در نهایت هیئت‌رئیس به این نتیجه رسید که نظرخواهی‌ای به صورت مکتوب انجام شود. قرار شد از اعضای که در قم حضور دارند به صورت مکتوب نظر گرفته شود و نظرات کسانی که در شهرستان‌ها هستند بعداً اخذ شود.

برای این کار نامه‌ای به نمایندگان نوشته شد که به دلیل مسائل امنیتی اجلاس به برگزار نمی‌شود و نظرخواهی [و نه رأی‌گیری] به صورت مکتوب انجام خواهد شد. از آنان خواسته شد اگر با این سازوکار موافق‌اند امضا کنند و همچنین نامزد مورد نظر خود را معرفی کنند.

یعنی نمایندگان خبرگان در همان برگه مکتوب می‌توانستند فرد مورد نظرشان را بنویسند؟

جواب: بله. هر تعداد که نظرشان بود؛ اگر دو نفر مد نظرشان بود به ترتیب اولویت می‌نوشتند.

در همان نامه توضیح داده شد که این سازوکار باید مورد تأیید خبرگان هم قرار بگیرد. چون جلسه تشکیل نمی‌شد، از آنان خواسته شد اگر با این روش موافق‌اند امضا کنند. بنابراین هم درباره شیوه

نکته دیگر هم این بود که شرایط عادی بود و سریع اجلاس به خبرگان تشکیل شد؛ به گونه‌ای که هیچ مانع و مشکلی برای تشکیل جلسه اصلاً وجود نداشت. وقتی جلسه هم تشکیل شد، باز قرائن و شواهدی مبنی بر اینکه نظر حضرت امام بر صلاحیت ایشان برای رهبری است، در گفت‌وگوهای مختلف امام در مقاطع گوناگون مطرح شد. در مجموع، همه شرایط به تدبیر الهی فراهم شده بود تا خبرگان به آسانی در یک جلسه رأی خودشان را ابراز کنند.

اما در این دوره، از یک سو شناخت صددرصدی از جمیع جوانب و ویژگی‌های کاندیداها و افرادی که در مظان رهبری بودند وجود نداشت. این موضوع باید در کمیسیون مربوطه، یعنی کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ - که شرایط رهبری و نحوه انتخاب رهبری را بیان می‌کند - بررسی می‌شد. آن کمیسیون و کمیته سه‌نفره‌ای که در درون آن تشکیل می‌شود باید همه این افراد را بررسی می‌کردند. افراد در هفت ویژگی که شرایط رهبری است، یکی‌یکی بررسی می‌شدند تا روشن شود هر کدام آیا واجد این صفات هستند یا نه. در این مرحله علاوه بر اصل اینکه آیا این صفات را دارند یا ندارند، این مسئله هم مطرح بود که ممکن بود یکی از نامزدها در یک صفت برتری داشته باشد و نامزد دیگر در صفتی دیگر. مثلاً یکی بینش سیاسی - اجتماعی قوی‌تری داشت، دیگری در فقاقت برجسته‌تر بود، یکی در مدیریت و دیگری در تدبیر. در مجموع هفت شرط مطرح است و باید تک‌تک افراد از حیث این شرایط بررسی می‌شدند تا روشن شود کدام یک نسبت به دیگری برتری دارد و این برتری در کدام صفت است. این یک جهت بود که از نظر شناخته‌شده بودن افراد با دوره قبل تفاوت داشت. از سوی دیگر شرایط جنگی هم وجود داشت و این مسئله بسیار اثرگذار بود. تشکیل جلسات هیئت‌رئیس به باید صورت می‌گرفت. هر اجلاس به‌ای که بخواهد برگزار شود، هیئت‌رئیس باید جلسه تشکیل دهد و برنامه اجلاس را مشخص کند. در هر اجلاس به تعدادی نطق پیش از دستور وجود دارد و درباره موضوعی که مطرح می‌شود موافق و مخالف باید نظر بدهند. در خصوص رهبری نیز وقتی اجلاس به تشکیل می‌شود ممکن است افرادی غیر از کسانی که در کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ معرفی شده‌اند توسط نمایندگان پیشنهاد شوند. نمایندگان حق دارند بگویند فرد دیگری هم به نظرشان مناسب است و او هم مطرح شود. این مرحله هم باید در اجلاس به بررسی شود.

تشکیل جلسات هیئت‌رئیس به دلیل شرایط جنگی و تهدیدات فراوان امنیتی با سختی بسیار همراه بود. شما هم عضو هیئت‌رئیس بودید؟

البته احتمال دیگری هم هست که چون بنا داشتند آن سه نقطه را بزنند، آن روز اینجا را هم هدف قرار داده بودند.

کمیته سه نفره منتخب از هیئت رئیسه انتخاب می‌شود؟ برای اینکه نامزدهای رهبری مشخص شوند، ما یک کمیسیون داریم که به کمیسیون ۱۰۷ و ۱۰۹ معروف است.

در درون این کمیسیون یک کمیته سه نفره وجود دارد که افراد در مظان رهبری را بررسی می‌کند. این کمیته در نهایت گزارشی می‌دهد و اعلام می‌کند که بررسی‌ها انجام شده و مثلاً سه نفر را به عنوان افراد واجد شرایط معرفی می‌کند. این گزارش به کمیسیون داده می‌شود و بعد در اجلاسیه مطرح می‌شود. البته نمایندگان خبرگان می‌توانند غیر از این افراد، افراد دیگری را هم پیشنهاد بدهند.

چون قرار شده بود رأی‌گیری غیرحضوری انجام شود، ما از نمایندگان خواستیم پیشنهادهای خود را مکتوب اعلام کنند. این روند مدتی ادامه داشت. در عین حال هیئت رئیسه مرتب از مسئولان امنیتی درباره شرایط سؤال می‌کرد. در یک مقطع اعلام کردند که شرایط بهتر شده است و هیئت رئیسه تأکید کرد که اگر ممکن است، اجلاسیه حضوری برگزار شود.

چرا با همان نظرات مکتوبی که آقایان داده بودند رأی‌گیری نهایی را انجام ندادید؟

جواب: چون در جلسه حضوری تضارب آرا شکل می‌گیرد. یک نفر نظر می‌دهد، دیگری پاسخ می‌دهد و بحث شکل می‌گیرد. در روش مکتوب این امکان وجود ندارد. اصل هم بر حضوری بودن جلسه است. ما فقط به دلیل شرایط امنیتی به سمت غیرحضوری رفتیم.

جمع‌آوری همان پیشنهادهای مکتوب حدود دو روز زمان برد. بعد از آن دوباره از مسئولان امنیتی سؤال شد که آیا امکان برگزاری حضوری هست یا نه. گفتند می‌شود، اما باید زمان جلسه کوتاه باشد. بنابراین تصمیم گرفتیم اجلاسیه حضوری برگزار شود و زمان آن هم حداکثر حدود یک ساعت تا یک ساعت و بیست دقیقه باشد.

در نهایت اجلاسیه به صورت حضوری برگزار شد. البته به دلیل مسائل امنیتی فقط کسانی که در قم حضور داشتند شرکت کردند و از آنان خواسته شد شهر را ترک نکنند تا حد نصاب جلسه تأمین شود. برخی از اعضا که در شهرستان بودند و امکان سفر نداشتند رأی خود را مکتوب ارسال کردند.

با این حال حد نصاب قانونی جلسه که حضور دو سوم اعضا بود تأمین شد؛ حتی چند نفر بیشتر از دو سوم هم حضور داشتند. بنابراین جلسه کاملاً رسمی و قانونی برگزار شد.

ریاست جلسه با چه کسی بود؟



رأی‌گیری و هم درباره نامزدهای پیشنهادی نظرخواهی شد. ماجرای حمله به دبیرخانه مجلس خبرگان در چه بازه زمانی بود؟ زمانی که شما نظرات را گرفته بودید، آنجا واقعاً کاری در حال انجام بود که حمله صورت گرفت؟

جواب: بله، آن روز در مرحله‌ای بود که نظرخواهی از اعضا درباره غیرحضوری برگزار شدن جلسه و معرفی کاندیدای مورد نظرشان برای رهبری در حال انجام بود. این کار بین سه نفر از روحانیونی که آنجا بودند تقسیم شده بود تا اگر اعضای خبرگان نمی‌توانند به دبیرخانه بیایند، این سه نفر به منزلشان بروند و رأی را به صورت مکتوب اخذ کنند.

در این مدت تعدادی از اعضا آمده بودند و نظرشان را طبق همین روش به دبیرخانه اعلام کرده بودند. در همین حین آن حمله صورت گرفت. شاید دشمن از رفت‌وآمد برخی افراد متوجه شده بود که اینجا جلسه‌ای در جریان است یا قرار است اتفاقی بیفتد.



آیت‌الله موحدی کرمانی به عنوان رئیس مجلس خبرگان حضور داشتند. البته ایشان مقداری صحبت کردند و اداره جلسه را به جناب آقای حسینی بوشهری واگذار کردند. در ادامه گفت‌وگوهایی انجام شد و چند نفر صحبت کردند. در نهایت وارد مرحله رأی‌گیری شدیم. برگه‌های رأی توزیع شد، رأی‌ها جمع‌آوری شد و نتیجه اعلام شد.

بنابراین شرایط این دوره از جهات مختلف با شرایط انتخاب مقام معظم رهبری در سال ۶۸ متفاوت بود. علت طولانی شدن روند هم عمدتاً همین مسائل امنیتی بود. ما ناچار بودیم این ملاحظات را رعایت کنیم. بالاخره جان بیش از ۸۰ نفر از اعضای خبرگان در میان بود. اگر خدای نکرده حادثه‌ای رخ می‌داد و این افراد در یک جا هدف قرار می‌گرفتند، عملاً امکان تعیین رهبری از بین می‌رفت تا زمانی که انتخابات جدید خبرگان برگزار شود. آن هم زمان زیادی می‌برد و کشور بدون رهبر می‌ماند.

آیا با وجود آن فضای امنیتی، تضارب آرا هم شکل گرفت؟ یعنی شرایط باعث نشد دقت در انتخاب تحت‌الشعاع قرار بگیرد؟

جواب: نه. چون کاندیداها از قبل تا حد زیادی مشخص شده بودند و اعضا درباره آنان تحقیق کرده بودند. در مدتی که در قم حضور داشتند، پیگیر بودند که چه کسانی مطرح هستند و درباره ویژگی‌هایشان پرس‌وجو می‌کردند. بنابراین وقتی جلسه برگزار شد، تقریباً برای همه روشن بود که هر کدام از نامزدها چه ویژگی‌هایی دارند و کدام یک با شرایط قانون اساسی انطباق بیشتری دارد.

با این حال در همان جلسه هم چند نفر وقت گرفتند و صحبت کردند؛ هم موافق و هم مخالف.



تأیید و حمایت علمای اسلام

مدیریت و تدبیر و نیز پابندی عمیق به راه و مکتب امام راحل عظیم‌الشان و رهبر شهید «رضوان‌الله تعالی علیهما» هستید، به عنوان رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران معرفی نمودند و بدین‌سان بار دیگر دشمنان این ملت را مأیوس و ناکام ساختند.

اینجانب ضمن تجلیل از این انتخاب شایسته و حکیمانه مجلس خبرگان، بر ضرورت پابندی و تبعیت کامل نسبت به اصل ولایت فقیه، به‌عنوان رکن اساسی و ستون استوار انقلاب اسلامی، تأکید نموده و از همه امت اسلامی، به‌ویژه مردم مؤمن، عزیز و انقلابی ایران و نیز مسئولان امین و خدمتگزار، درخواست می‌کنم با بصیرت و همدلی در پشت سر رهبر معظم انقلاب حرکت کرده و با حفظ وحدت و انسجام حول محور ولایت فقیه، مسیر پرافتخار انقلاب اسلامی را با صلابت و استواری ادامه دهند.

دفتر آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی، مرجع تقلید

ضمن گرامیداشت یاد رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (رضوان الله علیه) امیدواریم که جانشین ارجمند ایشان (حفظه الله تعالی) در خدمت به ملت بزرگ ایران، دفع شرّ مترصدان و حفظ وحدت و انسجام ملی توفیق یابد.



آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، مرجع تقلید

بحمدالله مجلس خبرگان رهبری در مقطع حساس کنونی، با تصمیمی به‌هنگام، به وظیفه شرعی و قانونی خود عمل کرد. این مجلس با بررسی شاخص‌ها، جناب آیت‌الله آقای حاج سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه الله) را به عنوان سومین رهبر



انقلاب اسلامی برگزید و حجت را بر همگان تمام کرد. اکنون شایسته است مردم عزیز و ارکان نظام، با بیعت با این انتخاب اصلح مسیر پرنور انقلاب را با اتحاد و استقامت تا پیروزی نهایی ادامه دهند. اینجانب ضمن تسلیت مجدد شهادت رهبر فقید انقلاب، فرماندهان، مردم عزیز و کودکان و زنان مظلوم به خدمت رهبری عزیز و عموم مردم شریف ایران، این انتخاب را تبریک گفته، پیروزی، عزت و سربلندی ایران اسلامی و ذلت دشمنان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

آیت‌الله العظمی نوری همدانی، مرجع تقلید

حضرت مستطاب آیت‌الله جناب آقای حاج سید مجتبی خامنه‌ای «دامت برکاته» سلام علیکم،



با عرض تسلیت شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی و جمعی از سرداران رشید اسلام و نیز جمعی از مردم بی‌دفاع، خداوند متعال را سپاسگزارم که خبرگان ملت، به عنوان امنای امت اسلامی، با در نظر گرفتن همه شرایط و ضوابط لازم و بی‌تردید با عنایات خاصه حضرت بقیه‌الله الأعظم «عجل‌الله تعالی فرجه الشریف»، جنابعالی را که واجد جمیع شرایط لازم برای تصدی مسئولیت خطیر رهبری، از جمله فقاقت، شجاعت، تقوا، زمان‌شناسی،





آیت الله مبشر کاشانی، مرجع تقلید

در سال ۱۹۸۹، آن هنگام که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) توسط مجلس خبرگان به جانشینی حضرت امام خمینی (ره) برگزیده شدند، مرحوم آیت الله العظمی بهاء الدینی (ره) فرمودند: «لباس زعامت، فقط برای قامت



ایشان دوخته شده است». اینجانب در این زمان خطیر عرض می‌کنم که امروز نیز حقیقت بر همان منوال است؛ لباس رهبری و ردای زعامت امت، تنها زینده قامت وجود گرامی حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای است..

آیت الله سید جعفر شبیری زنجان، دوست دیرین رهبر شهید انقلاب

هرگز تصور نمی‌کردم روزی را درک کنم و شاهد شهادت مظلومانه و مقتدرانه رفیق دیرینم، سید علی باشم؛ عزیز و دوست هشتادساله‌ای که همچون امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ماه مبارک رمضان و همچون حسین بن علی (علیه السلام) به همراه فرزند



و خانواده‌اش به دست شقی‌ترین دشمنان، یعنی صهیونیست‌های جنایتکار، به فیض عظمای شهادت نائل آمد. شهادتی که در میان علمای اسلام کم‌نظیر است و این اندوه جانکاه، جز با نابودی کامل اسرائیل و ظهور حضرت ولی عصر (عج)، التیام نمی‌یابد.

این جانب در حالی که در حرم ملکوتی امام رضا علیه السلام داغدار بودم، خبر انتخاب حضرت آیت الله امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای از سوی خبرگان محترم رهبری، مرا تا حدی تسکین داد.

آیت الله العظمی جعفر سبحانی، مرجع تقلید

در این شرایط حساس، اقدام آن مجلس محترم در انتخاب رهبر، کاری شایسته و درخور تقدیر و مورد تأیید می‌باشد. ان شاء الله امید است رهبر منتخب، در خدمت به شریعت، دیانت و کشور موفق و مؤید باشند.



آیت الله العظمی حسین مظاهری، مرجع تقلید

اینک که مجلس خبرگان رهبری در شرایط خطیر و حساس کنونی و در پی مصیبت شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای «قدس سره الشریف»، یکی از تربیت‌یافتگان برجسته و شایسته آن شهید والامقام را با رأی قاطع، به عنوان ولی فقیه و



رهبر جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌اند، از خداوند قادر متعال، مزید توفیق و تأیید و نفوذ کلمه جناب ایشان را در اعلاء کلمه حق و قیام به قسط و عدل و گسترش اخلاق و معنویت و صیانت از ارزش‌های حیات‌بخش دینی و تحکیم اتحاد ملی و انسجام اجتماعی و تثبیت آرمان‌های بنیانی انقلاب اسلامی و مقابله و مجاهده با دشمنان مهاجم و بدخواهان اسلام و ایران و برطرف ساختن سایه شوم جنگ و مأیوس نمودن مستکبران و بیگانگان و پیشرفت و آبادانی همه جانبه کشور امام زمان «ارواح‌نفاذ» و سربلند ساختن ملت فهیم و باشرافت ایران اسلامی و راهبری عقلانی و خردمندانه نظام جمهوری اسلامی ایران، مسألت می‌نمایم.

اساتیدی که شاگردان بسیار در درس آنها شرکت می‌کنند. سابقه ۳۰ تا ۴۰ سال تدریس درس خارج دارند و از مدرسان معروف دروس خارج هستند و از مجتهدان بسیار شناخته‌شده و معروف‌اند. هیچ‌گاه از ایشان هیچ اظهار، هیچ قدم، هیچ قلم و هیچ گامی دیده نشد به سوی اینکه متصدی هیچ مقامی بشوند، تا چه رسد به مقام رهبری. فردی بسیار عادی با زندگی بسیار زاهدانه، با تواضع فوق‌العاده.

مجلس خبرگان با کسی تعارف ندارد. در مجلس قریب هشتاد و اندی فقیه دقیق، سیاستمدار، جامعه‌شناس، آشنا با موازین و با تقوا و با ورع حضور دارند. هیچ مسامحه و هیچ مدارایی با کسی ندارند. در بررسی فرد شایسته برای رهبری ما سال‌ها تلاش و تفتیش کرده‌ایم. نتیجه‌ای که مجلس خبرگان به آن رسیده محصول سال‌ها تلاش است. مجموعه ویژگی‌های لازم برای رهبری در آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در بالاترین سطح احراز شده است. هرچند دیگر افراد مطرح نیز از شخصیت‌های محترم و دارای صلاحیت بوده و هر یک در جایگاه خود توانمندی‌های قابل توجهی دارند، اما در جمع‌بندی نهایی، چنین تشخیص داده شد که مجموع شرایط و اقتضائات در ایشان به نحو کامل‌تری تجلی یافته است.

به معنای واقعی کلمه هم جد بزرگوارشان مرحوم آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای هم پدر بزرگوارشان رهبر فقید و شهید عزیزمان رحمه الله در اوج زهد بودند. ایشان هم در اوج زهد هستند؛ نه به این معنی که رویگردانی غیرمعقول از دنیا بلکه به معنی بزرگتر، فارغ از دنیا بودن است. بزرگتر از آمدوشدهای دنیا هستند.

آیت‌الله رضامضانی، عضو مجلس خبرگان رهبری و دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (ع)

در خصوص ویژگی «عدالت» در شخصیت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، باید عرض کنم که آیندگان ابعاد وجودی ایشان را در این زمینه بیشتر و بهتر خواهند شناخت. با توجه به شناخت و تجربه شخصی‌ای که نسبت به ایشان پیدا کرده‌ام، با قاطعیت معتقدم که ایشان دارای «عدالت» هستند و این ویژگی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.



در رابطه با مراتب علمی و جنبه‌های اجتهادی، بنده تسلط علمی و استحضار فوق‌العاده ایشان را بعینه دیده‌ام. در عرصه مدیریت و اشراف بر مسائل سیاسی نیز، بر اساس گفتگوها و مباحثاتی که داشتیم، گستره دید و اشراف ایشان به امور برای بنده کاملاً محرز است و در این زمینه ذره‌ای تردید ندارم.

کسی که بیش از پنج دهه است او را از نزدیک می‌شناسم و به عمق معنویت، سجایای اخلاقی، زهد، علم و اجتهادش واقفم. این ویژگی‌های برجسته، به ویژه اجتهاد و تهجد؛ عشق و عاطفه به مردم؛ توسل و ارتباط خاص با امام رئوف از دوران کودکی، در گفتار و نوشتار امام شهیدمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. خدای سبحان را شاکرم که ثمره اخلاص آن سید مظلوم و مقتدر را با انتخاب رهبر دیگری همچون ایشان رقم زد؛ ذخیره‌ای برای این نظام و انقلاب که پیش از پیروزی انقلاب امام خمینی (ره) پا به عرصه وجود نهاد.

آیت‌الله کعبی، عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری

خدای متعال شاهد، حاکم و ناظر است و می‌داند که مجلس خبرگان رهبری در فضایی آکنده از اخلاص و توجه به خدا و در سایه لطف و عنایت ویژه و توسل خاص به حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف با رای قاطع و آزاد و کتبی و مخفی بیش از نود و یک در صد رای دهندگان حاضر در یک اجلاس رسمی و فوق‌العاده و حضوری که بیش از دو سوم خبرگان حاضر بودند معظم له را به عنوان ولی‌فقیه واجد شرایط و رهبر سوم انقلاب اسلامی.



آیت‌الله محسن قمی، عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری

انتخاب فقیهی وارسته، متعهد، شجاع، آشنا به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و از سلاله رهبر شهید آنچنان با استقبال خبرگان و مردم داخل و خارج ایران مواجه شد که فراتر از هرگونه تحلیل و انتظار بود. در مراسم بیعت با رهبر جدید که چند ساعت بعد از انتخاب انجام شد از یک سو مؤمنین و مستضعفین جهان را خوشنود کرد و از سوی دیگر باعث غیظ دشمنان از جمله رئیس‌جمهور فعلی آمریکا گردید.



آیت‌الله شیخ محسن اراکی، عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری

خیلی از کسانی که خودشان جزو این گزینه‌ها بودند، یعنی از گزینه‌هایی که اسمشان مطرح بوده و خیلی‌ها هم به سمت آنها تمایل داشتند، حتی خود این افراد حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای را اصلح می‌دانستند. بسیاری از کسانی که به قوت و شدت از ایشان حمایت کردند از اساتید بسیار برجسته حوزه علمیه هستند؛





آیت‌الله علی اکبر رشاد، رئیس شورای حوزه‌های علمیه تهران

در همان چند روزی که زمزمه انتخاب ایشان به عنوان ولی‌فقیه مطرح بود، بنده اطلاع دقیق دارم که پیشاپیش برخی از مراجع، صراحتاً حمایت خود را اعلام و اظهار خرسندی کرده بودند که انتخاب ایشان مایه رضایت است. در کنار این مقبولیت نخبگانی و حوزوی، محبوبیت مردمی ایشان نیز در میان اقشار مختلف جامعه بی‌بدیل است.



ایشان یک مجتهد مُسَلِّم و مسلط بر مبانی استنباط هستند. به عنوان فردی که دهه‌هاست کم‌وبیش با ایشان مرتبطم، باید عرض کنم ایشان فردی بسیار متخلق، متین، بی‌ادعا، بی‌پیرایه، بی‌تکلف، متواضع و به‌شدت «شهرت‌گریز» هستند. شخصیتی که با وجود جایگاه، موقعیت و تمام توانایی‌هایش می‌توانست مناصب بالایی در مملکت داشته باشد، اما در طول این چند دهه هیچ منصبی را نپذیرفت.

آیت‌الله علی مومن قمی، عضو مجلس خبرگان رهبری

در خصوص مراتب علمی ایشان، اینجانب پیش‌تر بررسی‌های لازم را انجام داده و به یقین رسیده بودم. ایشان واجد مراتب عالی اجتهاد و برخوردار از صلاحیت صدور فتوا هستند؛ از این‌رو، رأی اینجانب بر اساس اطمینان علمی و شخصی صادر شد. همچنین، اجماع فقهای حاضر در مجلس خبرگان، که خود واجد درک عمیق از معیارهای فقاقت و شرایط رهبری بودند، مؤید این انتخاب بود.



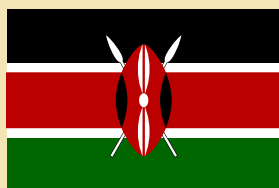
آیت‌الله محمد مهدی شب‌زنده‌دار، دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه

از نظر علمی باید گفت که شکی در این جهت وجود ندارد که بحمدالله ایشان واجد آن شاخصه‌هایی است که در روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) برای حاکمان دینی شمرده شده است. ملاک در این روایت مبارکه این قرار داده شده که آن عالم در حلال و حرام اسلام اهل‌بیت علیهم‌السلام نظر بکند و عارف به احکام شود. این ملاک است برای اینکه حضرت فرمود «قد جعلته علیکم حاکماً». در این حیث شکی وجود ندارد که آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای ایده‌الله‌العالی واجد این مرتبه هستند.





نقاشی هنرمند مشهور کنیایی، برای ادای احترام به رهبر شهید .این اثر توسط زوبر بخرانی، هنرمند برجسته اهل مومباسا در کنیا، خلق شده است؛ هنرمندی شناخته شده در شرق آفریقا که به دلیل آثار واقع گرایانه از تاریخ و فرهنگ سواحل کنیا و نیز پرتره شخصیت هایی مانند اوهورو کنیاتا و ویلیام روتو (رئیس جمهور کنیا) شهرت دارد.



حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی



فرزند مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی
اینجانب که از نزدیک با حضرت آیت الله آقای حاج سید مجتبی خامنه ای آشنایی دارم، ایشان را مجتهدی مسلم می دانم که مردم می توانند از ایشان تقلید کنند. ایشان بسیار سلیم النفس، باهوش و سیاستمدار و در راس همه شخصیتی علمی هستند و همگان بر این نظر موافقت. در کنار والد معظم رضوان الله علیه بنده اطلاع دارم در مجالس مختلف که برای مشکلات گرفته می شد یکی از ارکان آن جلسات وجود مبارک ایشان بود.

حجت الاسلام اجاق نژاد، تولیت آستان مقدس مسجد جمکران



اکثریت قاطع اعضای خبرگان با اطمینان قلبی و نورانیت درونی به فردی رأی دادند که سال ها در محضر پدر بزرگوار خود تربیت یافته بود، موضوعی که نویدبخش آینده ای روشن برای کشور است.

آیت الله سید یاسین موسوی، امام جمعه بغداد



خداوند متعال لطف خود را شامل حال امت کرد؛ آن گاه که به فقهای اسلام از اعضای مجلس خبرگان رهبری توفیق داد آیت الله مجاهد سید مجتبی حسینی خامنه ای خراسانی را به عنوان رهبر مسلمانان و جانشین رهبر شهید برگزیند. من از ژرفای دل و با تمام وجود احساس می کنم که این انتخاب، آغاز نصرت الهی در این جنگ ظالمانه است؛ صالحی پس از صالحی، مجاهدی پس از مجاهدی و حسینی ای پس از حسینی این مسیر را ادامه می دهند.

حجه الاسلام و المسلمین سید هاشم الحیدری



از رهبران مقاومت اسلامی عراق
حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای فقیهی شجاع، بصیر، ژرف اندیش و در عین حال، شخصیتی بسیار زاهد هستند که به معنای واقعی کلمه، «دنیا را طلاق داده اند». این عبد صالح، علی رغم آنکه پدر بزرگوارشان ۳۷ سال زعامت امت و ولایت امر را بر عهده داشتند، هرگز در پی نام و نشان نبودند؛ هیچ منصب رسمی را در اختیار نگرفتند و از جایگاه و مسئولیت پدر، کمترین بهره برداری شخصی نکردند. ایشان با زهد مثال زدنی، شبانه روز خود را وقف فقه، تدریس، معرفت و خدمت بی منت به فقرا و نظام اسلامی کردند، بی آنکه ذره ای از موقعیت خانوادگی خود استفاده کنند.



ویژگی‌های رهبر جدید (انقلاب اسلامی ایران) آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

نویسنده: خمیس محمد (نایروبی، کنیا)

• فروتنی و سادگی شخصی: برخلاف بسیاری از چهره‌های محافل سیاسی نخبه، آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای با «سبک زندگی ساده» شناخته می‌شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که او عمداً از تجمل و انباشت ثروت شخصی اجتناب می‌کند و ترجیح می‌دهد در شرایط متوسطی زندگی کند.

• دسترسی عمومی: یکی از مؤلفه‌های اصلی مشروعیت او، سهولت تعاملش با مردم است. او با حفظ ارتباط انسانی و تعامل مستقیم با مردم ایران - به جای فعالیت در پشت موانع محکم و سخت بوروکراتیک - در جایگاه رهبری قرار می‌گیرد که هم از نظر اجتماعی حضور دارد و هم از نظر معنوی با نیازهای مردم هماهنگ است.

مقدمه: این یادداشت حاوی مطالبی کوتاه از ویژگی‌های رهبری جدید ایران، آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای که اخیراً نقش برجسته‌ای را در صحنه سیاست پذیرفته، می‌باشد. ایالات متحده آمریکا بر این تصور بود که با حذف (شهادت) آیت الله سید علی خامنه‌ای می‌تواند تغییر رژیم در ایران ایجاد نماید اما در عین ناباوری آنها خامنه‌ای دیگری به قدرت رسید. رزومه آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای بر هویت ترکیبی ایشان تأکید دارد: رهبری با فروتنی شخصی و سازش ناپذیری ایدئولوژیک.

ارکان کلیدی رهبری



• تداوم ایدئولوژیکی و «مقاومت» رهبری او به عنوان ادامه مستقیم مسیر انقلابی است که توسط آیت‌الله روح‌الله خمینی و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای بنا نهاده شده است.

هسته اصلی این ایدئولوژی «اصل مقاومت» است که بر موارد زیر تمرکز دارد:

- ایستادگی قاطع در برابر فشار و سلطه خارجی.

- اولویت دادن به حاکمیت و استقلال ملی.

- مطرح کردن مقاومت سیاسی به عنوان یک وظیفه اخلاقی و مذهبی در برابر بی‌عدالتی.

پیامدهای استراتژیک: شرح حال آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، بازگوی الگوی ترکیبی «شخصیت مردمی» و «مدافع قاطع حکومت» می باشد. در فضای ژئوپلیتیک فعلی، رهبری که شخصاً قابل اعتماد و در عین حال از نظر ایدئولوژیکی در مواجهه با تنش‌های بین‌المللی تزلزل‌ناپذیر است، به تقویت وفاداری داخلی کمک می‌کند.

چشم‌انداز استراتژیک و بین‌المللی

• رویکرد رهبری آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای بر موارد زیر تأکید دارد:

- حفظ حاکمیت ملی
- مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان
- همسوسازی کنش سیاسی با ارزش‌های دینی و ایدئولوژیک

علاوه بر این، با توجه تأکید فزاینده‌ای بر گسترش مشارکتهای بین‌المللی فراتر از حوزه‌های سنتی وجود دارد، آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای می‌تواند الگوی اثبات شده‌ای برای تقویت روابط با آفریقا و به عنوان یک



نتیجه‌گیری:

ویژگی‌های رهبری آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، فروتنی شخصی را با قاطعیت ایدئولوژیک ترکیب می‌کند. او رهبری است که هم برای مردمش قابل دسترس است و هم در مقابله با بی‌عدالتی و ظلم مصمم.

این هویت ترکیبی - یعنی سادگی در زندگی شخصی و پایبندی قوی به اصول - پایه و اساس شخصیت رهبری ایشان را تشکیل می‌دهد.

شریک تجاری استراتژیک تلقی شود. این مساله شامل موارد زیر است:

- همکاری اقتصادی و تجارت دوجانبه
- ایجاد مشارکت بر اساس احترام متقابل و عدم مداخله
- بررسی فرصت‌ها در حوزه‌های فرهنگی، انرژی، زیرساخت‌ها، کشاورزی و فناوری

چنین تعاملی می‌تواند منعکس‌کننده یک استراتژی گسترده‌تر برای تنوع بخشیدن به اتحادهای اقتصادی و تقویت همکاری جنوب-جنوب باشد.



آخرین انتشارات

آینده نگاری رهبری شهید ایران

آیت الله العظمی

سید علی خامنه‌ای

برای ۴۰ سال آینده

چه تحلیلی دارد؟

